

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

PF2513

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي خلق الانسان وجعل لصحة والمرض موضوعا للابدان ^{الطهرون} وفصل على محمد وآله
والطاهرين واجاب البكرين ابا عبد الله فقير سيد رضا حسن جعفري عفي الله عنه ان ارسن طهونيت
شائق علم وشرير وچنانچه حسب دستور زمانه بعد تحصيل علم فارسي و صرف نحو نوبت كتب درسيه
مستطقيه رسيد و والد بزرگوار وجد نادر که از قدیم الايام نظر فیض اثرشان در تحصيل کما نیدن علوم
مسطوره مختص برامي حصول ماده فنی طلب بود و هم اکثر اوقات صفت و شناسی علم مذکور و بروری
بنده از لسان مخبر بیان میفرمودند روزی تاکید ارشاد فیض نیاد برامی تحصيل علم معلوم گردید
بنده نیز عدول حکمی شان خلالت خدا و رسول شمرده و هم مصداق اینکله العلم علما علم الابدان
و علم الادیان تحصيل علم طب مصروف گردید و از اکثر فضلای کبار و اطباء می نامد ارشاد اینکله
مصرع شاعرنیک هر دوکان که باشد چه حاصل خست مگر چونکه علم بنده و ان غل بکار نمی آید بیان
بذریعه غریزی و عنایت فرمائی بخدایت فیض جت جناب معلی القاب فیض کمال عالم و عالمیان
میسر زمان جناب حکیم مزار احمد نواب صاحب خلف جناب مستطاب حکیم مزار احمد شریف
طاب الله ثراه و جعل الجنة مشواه حاضر آید م جناب مدوح بنده بروری بسیدگان
شرف نوابی پایان بر حال رسیدن بنده دل داشته حکم حضوری بطب و نسخه نویسی فرمودند

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

تبعیت از دست وزیران که برآید بکرو عجب شکرش بدرآید بقصد و زری بخاطر عقیدت آثار
گذشت که اگر نسخ جاریه و قواعد معمولیه طلب و دیگر مجربات سیموعات و ممتحنات مفردات و کلمات
برای ما بود اذیت جمع نموده شود خالی از فائده نخواهد شد بنابر آن آنچه در زمان تعلیل بنظر خطریل
گذشت فراهم نموده شد امید از ناظرین مختصر بدانیکه اگر خطائی ملاحظه فرمایند نظیر کمی اثر غلطی
اوست و آن لغز نموده صحوکات یا خطای مؤلف تصور فرمایند زیرا که الانسان مرکب من الخطا و
والنسیان و بدان عفو و بیوشی منبایند و الذخیر الساترین و قد رتبت بذالک
على ترتيب الحروف التهجی و سیمیهما بالمجربات الرضائیة جامع المختصر
مقدمه

در بیان اکثر اوزان طبعیه که اکثر الامر احتیاج بدان می افتد الوزن قیاس الشیء بالشیء
سواد کان بحسب الکتبه او غیره بقسیم اوزان حسب یک جو طبعه و دو جو قیاط چهار جو
سرخ یک جو متوسط باشد شش رتی توله و دوازده داشته تا یک چهار باشد و آنق و دانگ
چهار و نیم رتی و ادم و دوازده داشته و بقول صاحب مخزن لبست داشته و در هم سه و نیم باشد
شقال چهار و نیم باشد سیر شااهی یک توله شش داشته اوقیه دقیقه سه توله رطل هندوای
لبست و نه آنار شااهی سن طبعی چهار آنار شااهی استار یک توله بنده چهار باشد نسوة
و دوازده داشته باقلا یک نیم باشد ترسه پنج سرخ جوته و توله ازده و دهن رطل کبیل
سنی و شمش عین طبعی صاع چهار سن طبعی کبیل پنج سن طبعی قنیر لبست و پنج من کیاس
یک توله چهار باشد مگوک سه کبیل خرتوب یک قیاط ابرلق و من طبعی کف شش درم
پلته ده درم قنطیار و در رطل و ورق شش و نیم رطل اناب الحسل و نیم رطل طبعی
من تیریزی سه توله حصه چهار چهارم جو در هم سه باشد دینار چهار باشد بهلول چهار و ده
و دوازده داشته پیله ده داشته

باب الالف

اطریل کشتی مقوی و باغ پوست بلیله نزد و پنج توله و پوست بلیله کابلی
پنج توله و بلیله سیاه پنج توله و پوست بلیله پنج توله آله مختصر

سسته پنج توله و کشنیر خشک پنج توله کوفته بخته بروغن بادام شیرین یا بروغن گاو سسته توله
خالص حرب نموده با سه چندان غسل مصفی بقوام آورده بدستور اطر فیل سازند (نصف)
اطر فیل مرکب برای تقویت دماغ و برای رفع زکام و نزله و ضعف دماغ مفیده و لذت یابنده
و ده عدد بلبله مربی و ده عدد باب گرم شسته زیره ریزه کرده بعرق کیویج بقدر موافق
سایت پاره پاره نموده شیره مویر منقی تیم یا شیره کشمش نیم یا شیره مغز بادام شیرین
سه توله شیره مغز تخم کدوی شیرین دو توله قند سفید سه وزن امیخته بقوام آورده پوست
بلبله زرد چهار توله پوست بلبله کابل چهار توله بلبله سیاه چهار توله پوست بلبله چهار توله
آله منشر منقی چهار توله گل سیوتی چهار توله کشنیر خشک سه توله گاو زبان گیلانی دو توله
برگ بادرنجبویه دو توله گل نبشته دو توله اسطوخودوس یک توله کوفته بخته بروغن بادام شیرین
حرب نموده در قوام مذکور امیخته بدستور اطر فیل سازند نقطه (نصف) اطر فیل مرکب منقوی
و دماغ و جفای غصا مهبی سمین بن مغز تخم کدوی شیرین یک توله مغز تخم تربت یک توله امیخته
یک توله مغز بادام شیرین سه توله مغز الزلم یک توله مغز جلیون یک توله مغز تخم خیار
توله مویر منقی نیم یا کشمش نیم یا مغز بادام شیرین چهار توله چشمانک آثار مرابو سبب چشمانک آثار
مرابو بلبله چشمانک آثار مرابو آله چشمانک آثار مرابو بهرق کیویج بقدر موافق سه
پاره پاره نموده آب ابریشم خام و دو توله قند سفید سه یا غسل مصفی نیم آثار بقوام آورده و ده
عدد بلبله زرد و ده عدد پوست بلبله کابل سه توله بلبله سیاه سه توله پوست
بلبله سه توله آله منشر منقی سه توله گل نبشته یک توله گل سیوتی یک توله کشنیر خشک سه توله
گاو زبان گیلانی دو توله بادرنجبویه یک توله اسطوخودوس یک توله کوفته بخته
باروغن بادام شیرین هفت توله حرب نموده بقوام مذکور انداخته بدست جویین
بسیار زده بدستور اطر فیل سازند و طرف چینی یا سفال نکهارند و به قند بکارند

فصل

بر آنکه بلبله مربی و مغروس خیار شنبه با لخته صحراندا اندهند و درون مصلح استعمال آنجا
نمیکند و بعضی زدن آنها انداخته و ملاوغن بادام شیرین بنا بر آن لازم است که در نسخ اطر فیل

و لعلات یا جانی که چنین ادویه باشند در غن مذکور نیز داخل نمایند ایضا و ستودن در غن
نست که در ظرف معلوم داشته شود شش محکم بنده شود اقل الا نام تا حمل نرود و در غن کنند
تا که مزاج گسسته و حتی الامکان تا با نقصانی میعاد معلوم است تعالی نکند و اگر غرض
قوی لایق حال گردد و عالم مجبوری است و اگر مع تقویت بلنکین منظور باشد اجزای بلین
مثل زنجبین و شیر خشک و غیره داخل نمودن و وزن غسل مقدار آن کم نمون تا که شیرینی یابد
نشود مضائقه ندارد و قید مصفی در غسل است که از کف گرفتن حدت غسل کم میشود
اعل سبدر برای تقویت هضم و کسریاج تر سبدر است و له نجیل سبدر و له نجیل سبدر
نافل سبدر یک توله باریان یک توله نذر البلیغ سفید یک توله اجوین و سی یک توله
گرس یک توله سار کلی یک توله تر سبدر محو فخر اشین یک توله قضا لیزر
یک توله شطرح یک توله با وینک یک توله زیر سیاه یک توله زیر سفید یک توله
موصلی سبدر یک توله موصلی سفید یک توله پیلا سبدر یک توله گو کهر و سی کلان کتول
گو کهر و سی خرد یک توله لیچون یک توله سافرج سفید یک توله قاض صفا یک توله
قافه یک توله تخم حکون یک توله نخ یک توله سعد کونی یک توله کنگه یک توله
بخار بریان یک توله کشینه خشک توله نک ساجیر سه توله نک سیاه سه توله نک ایچی
یک توله قضا خشک یک توله تخم قرمندی متشبه یک توله لونا سبدر یک توله سبدر اجزای
بخشیده قدیمی سار ل سبدر اشین در میان آن اجزا پر کرده هر گاه جذب شود باز اوینه باشد
برگشته که تمام اجزای مذکور در آن جذب شود پس بالایی آن عرق لیمویی قانندی بجانند
تا که عرق یک صد و یک لیمو جذب کند و خشک شود و صبح بکار بر زودتر در خاک موافق تمام
و مزاج ایارج لونا یا برای جمیع امراض باره چون لقوه و فالج و استهنا و بی بون
و نیز امراض عصبانی و جلدی و ایضا بطریقه شهور کلی و در ارطط و غصیره نافع تخم
خطل چند درم غنصل مشوی چهار درم غار لیقون چهار درم مقونمای مشوی
چهار درم نیم درم حریف سبدر چهار درم تخم چار و نیم درم لوم و نیم درم چار و نیم
استهنا و لایق سه درم لست و زو سبدر سه درم نقل از زرق سه درم سبدر

عنه و این گفتار را به دست بعضی از بزرگان اسماعیلی است و بعضی گویند که از نوادگان کمالی طوس است ۱۱

53

سنگ درم حاشاد و درم سانج و درم سندی و درم قند سیون و درم جسد و درم
 سیلخه و درم فلفل سیاه و درم فلفل سفید و درم دار فلفل و درم فلفل و درم
 برفانج و درم سکنج و درم جاد و شیر و درم حبس و درم ستر و درم مرصعات
 و درم قطر اسالیون و درم حمام و درم زرا و درم طویل و درم عصاره فستق و درم
 سند فیون و درم سنبل الطیب و درم خطبیا نایک نیم درم اسطوخودوس
 یک نیم درم کوفت بختی عسل صفی سه وزن ادویه بقوام آورده بدستور ایارج
 سازند و اگر درین نسخه استیاج تقویت قوی منظور باشد مرجان سرخ و درم مر و درم
 سدر و درم ورق طلا محلول یک نیم درم ورق نقره محلول یک نیم درم اضافانده خوراک
 ناسته شقال باب نیم گرم باار اهل و انسب است که بوقت خواب شب خورند و صبح جو شازده
 برفانج چهار ماشه زعفران چهار ماشه استیمون و لایق چهار ماشه اسطوخودوس باشد
 نمونز منقی کسان الشوری چهار ماشه پوست بلبله کابلی شش ماشه بنوشند

بیان ادویه که با التخاصه مفید اند

ادویه که با التخاصه برای سرد معده اند عدد الصلیب تعلقات شراب و سحر طاجا و شیر
 قطره احب و در لین مرصعه حل کرده بطل دادن مفید ادویه که برای
 آسانی وضع حمل بخار میزند سوس سر آدمی سوخته خاکستر آن با کلاب بر سر نهادن
 و زبل حمام بر بی سوزانیدن و در ووش گرفتن و بسد بران رست لبستن و سم اسپاه
 سوزانیدن و در ووش گرفتن و خرسوس سوزانیدن و در ووش گرفتن در آسانی
 وضع حمل دخل کلی دارد ادویه که برای ناسور مفید اند خاکستر بنیه بنیه بنیه سوخته و زب
 سگ سوخته و غنچه بندق هندی بار یک سوده پاشیدن و خاکستر گل بنباکو و در ووش
 یعنی رانی رسم سوخته پاشیدن در بخودن ناسور عجیب الاثر است و آخوان گوسفند و شیر زن پاشیده
 پر کردن مفید خون سگ کهنه بقتیل آلوده و ناسور نهادن مردار سنگ در شمع مخلوط نموده
 بروی ناسور نهادن خالی از فائده است ادویه نافع شرعی یعنی سنی زیره جارب
 کل طحری آرد مونگ بذیر البیج خود غرقه صندل سه خ گل ارمنی

در این نسخه ادویه که با التخاصه مفید اند

۴
 و دوی که بوی بد فرج را از اهل گوناگون بخورند بزرگ تپ در فرج رسانند از غصه زده بزرگ تپ
 فرج را استسین گل حبلی سرخند زده در قدری آب طبع دهند پس بگذارد که بیشتر شود
 بعد از آن روغن که بر روی آب آید بدست کشید بر فرج مالیدن مفید مشک کافور
 جوز بواعود و زعفران سوارس گل سرخ کوفته بخیته بخور آن در سرج گیرند و دوی
 که موسی را برویاند شو تیرا بسوزانند و آب طلا کنند مغر سر بر و باه مالیدن با پنج صده
 اثبات مو میکند و پزناغ و سرگلکس نیم سوخته و سم الارغ نیم سوخته بمغز و یا محبوبه باری
 زیتون بنبت سوت و بدستور چون ده عدد گردگان را با پوست و دانه خرمایک شقال
 بسوزانند بر تبه که توان سائیده نه آنکه خاکستر شود بار و غن زیتون و با گل سرخ و پانزده
 عدد غفل مالند بر تها اثبات مو کند و چون پوره ارغنی و نو شاد و بسوزانند و با سر طلا کنند
 در سه روز موسی برویاند و بتدیل طلا بد چهار گطری میخورد و یا شند و اما دین سیر
 ادویه که منع رویانیدن مو کند مالیدن مغر سر گو سفند و مالیدن آبک اسقاط موسی بیناید
 و بار و بند نهد و بجنبه مسوق با غسل در منع روئیدن مو بعد قلع مجرب است و چون صمغ
 عرعر را بار و غن بعد از قلع مو باند اصل موسی نرود و مجرب است ادویه که موسی را بیدار
 کنند آب برگ چقدر پایا موسی سبز فرود بر سر مالیدن موسی را محمد گرداند و حله
 و بذر البنج و مردار سنگ و برگ سیدر و علف مکن مانج و برگ سرو و تخم سر و گت و گل سرخ
 و آنک آب ناریه بار و چند آن آب برگ چقدر استعمال نمایند ادویه وجودت را
 بر طرف سازند کل لعابات بار و غن و آب و زرا امل نمودن وجودت از تمام دارند خصوصاً
 شستن آب بلعاب و طنج برگ کف و طنج ریشه توت سیاه و سفید در دفع وجودت
 عجیب الاثر است ادویه مجرب برای فته و ح کلیه و شانه برگ نازه نورسته سفیدان شب
 در آب تیز کرد و بر آسمان بگذارد و صبح آب زلال آن گرفته کهر بار شمع یک دانگ
 صمغ الکوبالود و دانگ با صمغ خاوری سوده باشد تا یک هفته نبوشند و از مجرب است که
 شیر زرا گرم کرده خار خشک خرد یک دانگ کهر با یک دانگ تند تخمین خراستنی پاک نشسته
 پاک کرده داخل نموده و هر روزی سابق بریان پاشیده نبوشند و نیز از محربات است که

بعضی گویند که سر و کوهی است و بخت ازین است اصل

قرص که با شربت انجیر سرشته بشود و تخم خربزه تخم ششخاش سفید داخل کرده باشند
 اوویه که گرم شکم و غیره بکشد بوره ارمنی و برگ شقایق و برگ کبابی و سیر نیلوس
 کلونجی با قلا می مصره و بویاسه که فنی استیمون و لایمی سرکه بپاشند و فلفل
 یعنی پودینه شحم خنظل و مارالبطیخ الهندی بعضی شراب و بعضی ضماد او بجا برود و کشند آن نقطه

فایده

جدید و در قتل نمودن کرم شکم نیست که صاحب دیدان اول چند روز عادت خوردن
 لذیذ مثل گوشت و غیره کند تا که دیدان هم عادی شوند بعد چند روز ناله کند میفرمی از طعام
 لذیذ در دهان داشته مصنع نموده توقف نماید که دیدان برای خوردنش متقاعد شوند
 پس فوراً از دوائی سابق غرضی و سرکه آمیخته بشیر طار قناع مانع بخورند تا که دیدان
 هم غذا کنند و ملاک شوند و الله اعلم بالصواب

باب الباری الموحده

بیمه ساری سرت انزال دوان او امن و دینج از ضرر انزال و ترله و غیره سنبه لطیف
 یک شقال عاقر قرحا یک شقال فرغون یک شقال انیون مصری ده شقال فلفل سیاه
 بست شقال بذر البیج سفید بست شقال اوویه جدا جدا گرفته تیار سازند و با سبزه چندان
 غسل مصفی بپوشند و سه ماه در جو نگاه دارند خوردن نصف شقال و قوتش تا پنج سال
 باقی میماند بتاوق البر و حر و قه البول بر نافع و قروح کلیه است و عیسبول سفید آید
 در تخم خرفه سیاه و در تخم خنظل و در تخم کثیر او در تخم نشاسته و در تخم رب السوس
 و در تخم خربزه و در تخم مغز تخم خیار پنج در تخم کدو و دانه در تخم بذر البیج و در تخم
 در تخم ششخاش سفید و در تخم گل ارمنی و در تخم شکم که فنی و در تخم غنچه و در تخم مقشر و در تخم
 بکونید و جوب بقدر خنظل سازند و در شربت آن سه در تخم ششخاش پنج در تخم بکونید یک شقال
 تو عمل بویاسه نماید شایخ گوزن بخورند و در تخم خنظل و انقطاع نایل نیاید و فیض
 بخورند و جود برای استقامت نایل مسائر نایل خوب است بخورند که برای زخمها سفید باشد
 شکر یک تول عاقر قرحا یک توله یا زبونه شاد حب انجیر سه شاد حب قریفل یک توله

مسطکونی نیکو فیه یک توله بخور نمایند بخور که بر آب تن معین باشد میوه سیاه شده باشد حلیت رسیده باشد
کوفته بخیته بعل سیرشند و بعد طهر سه روز متوالی بخور سازند و بعد از آن مباشرت نمایند

باب التام الملتشاه

ترباق از صفت محمل برآج غلیظ مصلح کند و طحال نافع برای گزیدن هوام و اخراج فضول
مجموعه حب التمار یک توله خطی نامی رومی یک توله مرصاف یک توله زراوند طویل یک توله
کوفته بخیته با سه جندان غسل مضمض بقوام از دند خوراک از چهار دانگ تا یک شقال ترباق
که از نضر رسیماب و سم الفار و زنجار و دیگر ادویه سمیه مازدار و مرکب یک توله آهنتین و می گوی
تخم کرفس یک توله کوفته بخیته و دو شقال آن بایک اوقیه شراب بنوشند و تخم کرفس
این ترکیب از عنایت فرموده شفیع مکرمی امینی خان و الا نشان مروان علی خان صاحب
بشرط آنکه سایه آدم بر آن نیفتد و وقت کشته شدن نقره را یازده بجای و بصرق لیمویی کاف
واده و دانه چوبند برگ بجز و رستی در گهر با گل حکمت کنند و آتش پاکدشتی دهند تا دو ساعت
پیشتر شود و طریق گل حکمت معروف است محتاج بشرح نیست و شناخت برگ مذکور آنست
که مانند برگ فلفل سرخ و گل آن خرد میباشد و در دره کوه پیدا میشود و فقط حکمیس طراز آن
موصوف باشد و مذکور باین طور که نسبت و یک مرتبه بصرق لیمویی کاف و دانه چوبند و دانه
سه بار که داخته باشند با آب برگ شال برقی تا دو ساعت ترکیب معلومه آتش دهند و کشته کرده
و شناخت برگ اینک شال برگ دخت کوخار و در زمین نمناک و زمین کوه میباشد و در پنج
برگ گل خور میباشد حکمیس فلفل و از صاحب مدوح بشرط سابق الذکر باین طور
که اول در عرق آله نسبت و یکبار بجای و دانه نسبت و یکبار در عرق آن تر داشته و بعد
با دو چوبند برگ گویا گل حکمت کرده بدستور آتش دهند تا مدت معلوم و شناخت
برگ مذکور آنست که شال برگ انار میباشد و در آب روان پیدا میشود و حکمیس اقلیمی طریق
معروف اینک ببار و هر قدر که خواهد و آنرا که خسته اول یکبار بجای و آب لیمویی کاف و دانه
و یکبار بجای و آب برگ تر هستند و یکبار بجای و آب برگ نمناک دهند و بعد
بیزه ریزه کرده و چپال تر هستند و فرشن کرده بالای آن پاره پاره گذاشته

و مالای آن ریز برای قلعی بخارده آتش نرسد و تحمل نمایند تا نوحه چمال و پاره پا ط سوخته شود
 و قلعی کشته گردد پس بر آرد و نگاه دارد و ککلیس قشر معین که اکثر الامراض احتیاج به آن می باشد
 با بنظریق نمایند که قشر برای صیر در آب شیرین بخیسانند تا سه روز تا که قشر رقیق اندوزنی که بوشه
 غشیه نماند جدا شود پس بار دیگر در آب دیگر تا دو روز بخیسانند باز برآورده بدستور عمل حکمت
 خست و تنور یا کنگن اندازند و زمانی توقف سازند که سوخته خاکستر شود و نه خام ماند پس کار برند
 قضا کوی کشیدنی که کشیدنش برای صاب آتشک مفیدی است دشنگون یک ماشه
 به چنگلری نام یک ماشه افیون خالص یک ماشه کوفته آسیخته حقه بآب کشند
 و تا یک سال از دال موزک پرینز نمایند فقط

باب الثمار المثلثة

شما در سیطوس اوجاع کبد و معده و طحال و کلیه و امراض محصل نافع باشد و انواع
 سوی مزاج بار در طب را مفید نیست و اخلاط فاسد را پاک کننده رنگ روی را نیکو
 گرداننده و سقوی طری با نژاده درم نار یقون بشرط معلوم است درم زعفران سه درم دانه
 سه درم و ج سه درم مصطکی سه درم و روغن بلسان سه درم ریوند چندی یک مثقال
 عود بلسان دو درم نشیون دو درم فلفل سفید دو درم فلفل سیاه دو درم دار فلفل دو درم
 هر یکی دو درم منطیا نامی شش درم قشاق اذخر دو درم بلسان دو درم حمامو دو درم
 کماز دیوس چهار درم قسط شیرین چهار درم شیمون ولایتی چهار درم اسارون شش مثقال
 سیلخه شش مثقال سقمونیای مشوی شش مثقال سنبلیطیت درم او دو کوفه بخت
 با بچندان روغن بلسان و دو صندان عمل مصفی بپوشند و کار بر بند و قوت این باجماع
 سال باقی بماند قدر شربت حسب ضوابط این کلیه فقط

باب آبیم

جوارش فواکه معده و جگر را قوت دهد و قی باز دارد و دفع خمار کند و باه را بگنزد و شیمون
 کند از موی رساله آب انار ترش یک چمچانک آب انار شیرین یک چمچانک آب
 یک چمچانک آب سیب یک چمچانک آب لیمو یک چمچانک آب زرشک یک چمچانک

آب ساق یک چشمانک آب لیمویی کاغذی یک چشمانک بچوشاند بعد سبزل لطیف چهارم
 دارچینی چهار ماشه پوست بیرون پسته سه ماشه مغز حلزون چهار توله مغز بادام شیرین چهار توله
 عود غرقه چهار ماشه کشنیز خشک شش ماشه آمله منقش منقش یک چشمانک کوفته بخت با آبهای
 مذکور برشته و صند سفید بقوام آورده بدستور جوارش سازند وقت تیار می زعفران
 تخم چهار ماشه عرق کیوی ساینده افزوده در ظرف حبیبی یا سفال نگا دارند و بکار برند
 شربت از دو توله با چهار توله جوارش عود ترش مقدوی معنی از معمولات مطب عود غرقه
 شش درم قلعین و دو درم پوست ترنج چهار درم مصطکی رومی سه درم غمخ گل سرخ
 شش درم صندل سفید شش درم دارچینی و دو درم نعناع خشک سه درم تخم فلفل خشک چهار درم
 فلفل موله چهار درم طباشیر کبود شش درم زنجبیل و دو درم کشنیز خشک شش درم کوفته
 بخت آب لیمویی کاغذی نسبت و چهار عدد شربت انارین یک نیم با و گلاب خالص سه پاؤ
 بنات سفید سه پاؤ بقوام آورده ادویه افزوده بدستور جوارش سازند و بکار برند جوارش
 قابض مقدوی معنی که اگر در حی نیز استعمال نمایند مضائقه ندارد آب انار ترش نیم پاؤ
 آب انار شیرین نیم پاؤ آمله مربی پنج توله مرابی سیب پنج توله مرابی به پنج توله آب لیمویی
 کاغذی پنج توله و گلاب خالص پنج توله و عرق کیوی پنج توله ساینده باقی سفید
 حسب حاجت بقوام آورده صندل سفید هفت ماشه طباشیر کبود هفت ماشه زرشک بهرانه
 هفت ماشه آمله منقش منقش هفت ماشه پوست بیرون پسته هفت ماشه زهر مره هفت ماشه
 گل سرخ هفت ماشه کوفته بخت افزوده بدستور جوارش سازند جوارش مقدوی مغز سفید
 برای کسی که حرارت فرمیده داشته باشد آب انار منقش نیم پاؤ آب انار شیرین نیم پاؤ و مرابی
 آمله یک چشمانک مرابی سیب یک چشمانک مرابی یک چشمانک مرابی یا شبتانی
 یک چشمانک عرق گاو زبان ساینده قند سفید یک و نیم پاؤ با شکر سفید بقوام آورده
 صندل سفید یک توله طباشیر کبود یک توله زهر و محرق یک توله با قوت ربانی شش با تخم مروری
 محلول شش ماشه شیب بنبرند ماشه در عرق گاو زبان ساینده اضافه نموده گل نیلوفر سرخ
 گل سیوفی شش ماشه گلوی نیب دو ماشه تخم خیار و لانیقی سه توله تخم کاسنی سه توله

تخم بالک دو توله تخم بیض یک توله تخم خرفه سیاه یک توله آمله مقشر منقح کینو که شیر خشک
یک توله کوفته بخته و قوام نکور را بمخته ورق انقره نه ماشه ورق طلا شش ماشه حلو کرده بدستور
جوارش سازند ایضا سسل صفر معمولی عود خام سه و نیم ماشه مصطکی رومی سه و نیم ماشه
ترید سفید مجوف خراشید چهارده ماشه سقمونیای شوی چهارده ماشه کوفته بخته باسته
چندان غسل مصطفی بسر شد قد شربت از نصف درم تا یکدرم طریق شوی نمودن
سقمونیای نیکه سیب یا امرویه انار را محوف نموده سقمونیای در آن پخته ده کل حکمت نموده
در تنور یا گلیج اندازند و بروقت معین برآرند و بکار برند چو هر محصره که جدا مجید حقیر برآ
سناه جی صاحب تیار فرمودند و نفع کلی بخشید یا قوت ربانی دو توله زمر و سبز شش ماشه
زبرجد نه ماشه فیروزج نیشاپوری یک توله لبد احمر یک توله کسر باب شمعی دو توله
مروارید ناسته سه توله طباشیر کبود دو توله غیر اشب نه ماشه مشک خاص شش ماشه سیاهی
شش ماشه در عرق کبوتر یک چھٹانک حائین ورق انقره یک توله ورق طلا نه ماشه
انداخته نموده خوب حلو کرده بدستور جوار هر محصره سازند مفت دار خوراک حب طیب

فناک

فرق در معجون و جوارش و نوشدار و در شربت آنست که قوام معجون غلیظ تر میباشد و قوام
جوارش از آن رقیق و نوشدار و متوسط و شربت از همه رقیق

باب الحار الخالیه

حب ایارج و ایارج فیکر ادا مانع از این فضلات پاک سازد و امراض بار و شل صرع
و سکت و فالج و قوه و استرخا و امراض عین که از برودت و رطوبت باشد مفید آید حب
ایارج ایارج فیکر استه ماشه ترید سفید مجوف خراشید سه ماشه بروغن بادام شیرین
سه ماشه حرب نموده حب النیل دو ماشه اینسون ده و نیم ماشه نمک هندی چهار سرخ
شخم خطلی چهار سرخ نیم کوفته باب راز یا نه حب سازند مقدار خوراک از شش ماشه تانه
باشه ایارج فیکر اسنبل طبیب چهار ماشه سلیخه چهار ماشه مصطکی چهار ماشه واری
چهار ماشه ایارج فیکر اسنبل طبیب چهار ماشه سلیخه چهار ماشه مصطکی چهار ماشه واری

چهارم کوفه بخته سفوف سازند خمیه نسخه ایارج فیرادریاب الالف سحر بر نشد زیرا که
 حب ایارج خزان ایارج فیرا است لذ اکل یا جز یکی نموده شد تا که معالج را قوت مجتو نشود
 باید و است که اگر تنقید حب ایارج منظور باشد او را تنقید عام کند حب حاجت بعد حب
 ایارج دهند باینطور که دو گهری شب باقیمانده خوب بقدر احتیاج بلع کنند علی الصباح
 بدرقه مناسبه حال دهند و افراط تغریب تنقید حب ایارج موقوف بر ای طبیعت نگارنده تنقید کم
 کنند که دستور اکثر اطباء می نماید بر همین است و الله اعلم بالصواب حب مسهل که خلط طحال
 را بر می آرد و ریونید چینی سه ماشه سنار یکی چهار ماشه گفته آفتابی یک توله با هم مخلوط سازند
 و بلع نمایند و عرق غناب نیم گرم برای اعانت بنوشند حب سحر بخان که بهر
 در و وجع مفاصل امفید افتد بلکه کل اوجاع بلغمی را مفید افتد صبر سطرطری چهار نیم ماشه
 شرب پیچیده همچون خراشیده چهار و نیم ماشه سحر بخان شیرین چهار و نیم ماشه کثیر چهار و نیم ماشه
 ماسی زهره سه و نیم ماشه حب انیس یکی نیم ماشه غار یقون پس سفید یک نیم ماشه پاد بالا
 ششم غناب چهار و نیم سرخ کوفه بخته باب کر فس حب سازند مقدار خوراک از شش ماشه
 نایک توله حب مسهل بلبل که اسهال صفر اکثر نماید از مولف رساله پوست بلبل زرد
 چهار و نیم ماشه پوست بلبل کابل چهار و نیم ماشه بلبل سیاه چهار و نیم ماشه سنار یکی چهار و نیم
 ماشه غناب یکی سرخ دو ماشه پاد بالا با یک سوده روغن بادام شیرین نه ماشه حب منوده
 سوزنی منقی اضافه کرده صمغ عربی دو ماشه تمک لاهوری سه ماشه کوفه آمیخته خوب بقدر
 خود سازند مقدار خوراک نه ماشه چهار گهری شب باقیمانده همراه عرق غناب نیم گرم و عرق
 معلوم برای اعانت بنوشند ایضا حب بلبل مخصوص برای امراض سوداویه پوست
 بلبل زرد یک ماشه پوست بلبل کابل یک ماشه پوست بلبل یک ماشه آمله منقش منقی
 یک ماشه سنار یکی پنج سرخ لاهور و منقول یک ماشه بسفاسج منقش یکی ماشه غناب
 و اباقی چهار و نیم سرخ کثیر چهار و نیم سرخ غار یقون پس سفید سوسیه نیک کوفه بخته روغن بادام
 شیرین یک توله حب منوده بنویز منقی شش حب بقدر خود بسته چهار گهری شب باقیمانده
 همراه عرق کاو زبان نیم گرم بلع نمایند جلد یک خوراک است حب بنفشه که اسهال آورده

سحر بخان
 شرب پیچیده
 کثیر چهار و نیم
 ماسی زهره سه و نیم

از رطوبت و پاک گردانند تا خواه شده و نیم باشد زیره کافی شده و نیم باشد گرد با سبزه و نیم باشد
 انیسون سه و نیم باشد طبله سیاه سه و نیم باشد نمک لایونیه سه و نیم باشد صندل رومی و نیم باشد
 کل بنفشه کشمیری سه و نیم باشد کوفته بنجینه با عرق غنیم اشعلب سرشته حب سبزه از خود برتر
 و جمله یک خوراک است با عرق غنیم اشعلب نیم گرم یا اگر کم حب تر بد مسهل بلغم و صراض
 بلغمی را منقیه تر بد سفید بشیر را معلوم چهارده باشد زنجبیل چهار و نیم باشد صندل چهار و نیم
 ریوند چینی چهارده باشد غار یقون نصف است معلوم چهارده باشد شش خنظل یک و نیم
 باشد کوفته بنجینه باب بادیان سرشته حبوب بقدر خود سازند نقد شربت بر آب است

قاعده

باید که ادویه سه در حبوب و مشغول بسیار با یک نخل که قوت اندازد و قوت میبخشد
 و بقدر مطلوب اسهال نمیکند لکن باید که جوشش یعنی نه بسیار با یک و نه بسیار کند و نگارد
 متوسط که بند می و را گویند و اشمن مناسب است تا که در معده نرسد و در معده نشود و اخراج
 ماده بخوبی نماید فقط حب چهار برابر برای سرفه و تب و زکام و مع عربی یک باشد
 رب اسوس یک باشد شکر تیغال یک باشد کثیر ایک باشد نشاسته یک باشد مغز
 تخم کدو می شیرین یک باشد مغز بیدانه دو باشد مغز تر بر دو باشد مغز تخم خیار برین باشد
 مغز بادام شیرین چهار باشد خشخاش سفید دو باشد گل بنفشه یک باشد اصل اسوس قشر
 یک باشد کافور بان گیلانی یک باشد تخم خطمی یک باشد غناب سه و اند و اند و اند و اند و اند
 تخم خبازی دو باشد زعفران یک باشد اسپون یک تو که کوفته بنجینه بلعاب بیدانه سرشته
 حبوب بقدر خود بند یک حب صبح و یک شام قبل غذا با طفل و جوان حسب هر وضع و طقت
 حکم اعمال فرماید **ایضا** بنوع دیگر جوز بوا یک باشد پوست بلبله یک باشد شکر است
 بلبله کابلی یک باشد پوست بلبله یک باشد مغز بادام شیرین یک باشد مغز استیک یک باشد
 طماش کبوتر یک باشد گل سیوقی آله مقشرفی یک باشد مغز تخم کدو یک باشد مغز تخم تر بر یک باشد
 مغز تخم خطمی یک باشد خشخاش سفید یک باشد کوفته بنجینه چهار و اند و اند و اند و اند و اند
 یک تو که کوفته بنجینه برق طلا دو عدد و ورق نقره است عدد افروخته حبوب سازند و بجای رند

حب سرخه که بسیار شدیدا باشد صمغ عربی و دانه ماشه تر مس و دانه ماشه زرد آب لیمو و دانه ماشه
 شکر بنیال و دانه ماشه کتیره و دانه ماشه نشاسته و دانه ماشه گل بنفشه و دانه ماشه تخم خطمی و دانه ماشه گاو زبان
 گیلانی و دانه ماشه اصل لیمو و دانه ماشه ششمال سفید و دانه ماشه مغز تخم کدو و دانه ماشه مغز تخم
 ترتر و دانه ماشه مغز تخم خیارین و دانه ماشه عنب بخت عدد و بلبله سوخته و دانه ماشه کوبنار سوخته
 و دانه ماشه ویدانه و دانه ماشه سرطان محرق شش ماشه کوفته بخت بلعاب ویدانه سرشته خوب
 بقدر تخم سازند حب معمولی و صمغ عربی و دانه ماشه نشاسته و دانه ماشه کتیره و دانه ماشه
 مغز ویدانه و دانه ماشه مغز تخم کدو و دانه ماشه مغز تخم خیارین و دانه ماشه مغز تخم بادام شیرین و دانه ماشه
 خشخاش سفید و دانه ماشه شکر طرز و دانه ماشه فانی و دانه ماشه کوفته بلعاب ویدانه
 حب سازند حب سرخه معمولی برای طحال که کثیر السعال باشد کتیره و دانه ماشه نشاسته
 و دانه ماشه صمغ عربی و دانه ماشه زرد آب لیمو و دانه ماشه شکر بنیال و دانه ماشه خشخاش سفید
 و دانه ماشه افیون و دانه ماشه مغز بادام شیرین و دانه ماشه کوفته بخت بلعاب ویدانه بقدر کفایت
 سرشته خوب بقدر تخم سازند و از یک تا دو حب بدینند بدو وقت حب و دیگر که
 برای ضیق انفس بلغمی مجرب است و نقل و دانه ماشه کباب و دانه ماشه عاقر حیات و دانه ماشه افیون
 و دانه ماشه نبات سفید و دانه ماشه کوفته بخت بلعاب ویدانه بقدر موافق سرشته خوب بقدر تخم
 سازند از یک تا دو حب بخورند حب سرخ بادا و اصل سرخ و دانه ماشه برگ نینب
 و دانه ماشه نیل کهنه و دانه ماشه فلفل سیاه و دانه ماشه سرخ و دانه ماشه ویدانه و دانه ماشه برقم و دانه ماشه
 و دانه ماشه برگ بکاین و دانه ماشه قصب الزیره و دانه ماشه حنظل و دانه ماشه زرا و دانه ماشه
 شمشیر و دانه ماشه برگ خاسه و دانه ماشه منڈی و دانه ماشه چمال کچال و دانه ماشه پوست بلبله و دانه ماشه
 و دانه ماشه بلبله سیاه و دانه ماشه پوست بلبله کالی چهار دانه ماشه آله و دانه ماشه ششمال و دانه ماشه پوست بلبله
 و دانه ماشه مغز بنزله و دانه ماشه مغز کاین و دانه ماشه شنبه و دانه ماشه در آب عنب لثلب بنزد و دانه ماشه
 سایه و آب برگ نینب و دانه ماشه آب برگ شفا و دانه ماشه آب برگ شفا و دانه ماشه آب برگ شفا و دانه ماشه آب برگ شفا
 سازند و در سایه خشک سازند و حب بریند و حب معمولی برای طحال مجرب است
 و دانه ماشه برگ نینب و دانه ماشه فلفل سیاه و دانه ماشه سرخ و دانه ماشه کتیره و دانه ماشه کباب و دانه ماشه عاقر حیات و دانه ماشه افیون

و نهما باشد بر دم و نه می سه باشد نیکو می سه باشد برگ بکاین سه باشد قصب بالوزیره باشد
 حنظل هندی سه باشد قسم اول کوفته بخته آب برگ نیب سه توله سرشته خوب ساخته
 یک حب صبح و یک شام بطفل بدیند ایضا معمولی شایسته سه باشد صندل سفید سه باشد
 صندل سرخ سه باشد سرچوکه سه باشد مندمی سه باشد چهل کخیال سه باشد چراتیه سه باشد
 بر مندمی سه باشد و بهما سه باشد برگ خا سه باشد حنظل هندی سه باشد در آب برگ تنقلا
 سه توله آب عنب اشخب بنزد و توله آب برگ نیب یک توله ملکه و خوب بقدر تخم و نند
 یک حب صبح و بیشتر صبحه دهند حب الشفا که اگر بمقدارین اینون دهند کار فیون که نخل
 سه باشد ریوند چینی شش باشد تخم جوز مثل سه باشد کوفته بخته با و خوش ان غسل مصفی
 بقوام آورده سرشته بقوام همچون آورده و بهما مثل نخود بزرگ سازند قدر شربت یک
 حب چار و اربال افیون و تقوی باه از مجربات است از طب علوی خان صاحب
 افیون نیم توله جد و از خطائی یک توله کوفته در نه چیل متوسط جوت کرده ریونده و خمیر گرفته
 با ده آله شیر خالص بچوشانند تا تمام جذب شود و بعد سوخت شدن بیدار از آن بهمین دست
 در روغن گاو بز بزند که روغن بالایی آن برسد تا که سرخ شود بعد از آن بر آورده خمیر در رسته
 پوست سیاه آن بایک تهر اشیده و با جیل راعم اجزا خوب باریک ساییده و قلیقه مثل
 مرهم شود خوب بقدر چهار و نیم سه سازند قدر شربت یک حب حب طحال یعنی حب
 مردم طحال را بچلیل بر د آب لیمون کاغذی با و آژمار شوی قلمی چهار توله شوی را و آب
 لیمون انداخته و راقفان نگا دارند یک پاس با و پاستا آنکه خر مهره اگر در آن اندازند آب شود
 پس برگ چها و سه توله با باریک سوده چوک سه توله اضافه نموده خوب مخلوط کرده بپزد خوب
 سازند قدر حب شش باشد قدر شربت یک حب قبل طعام صبح و یک حب وقت خواب
 حب بوا سیر می که فلفل گو کاکت له فلفل دراز یک توله جو الکا سه توله و انار و انیسون
 بهما توله کوفته بنیمه خوب بقدر یک سه طیار ساخت یک حب هر روز فروزند ایضا
 شش توله یک سه باشد حنظل هندی یک سه مثل از نیک یک نیم سه با باریک ساخته آب
 گندم را هر روز سدا ده با سفید حب بوا سیر که حبس خون کند مغز و له شش

مغز بکاشن شش باشد حفص هندی شش باشد لکرونه اشش باشد حب الاس شش باشد
 باب لکرونه اساید حبوب بقدر نخود سازند و یک ماشه شام بلعاب اسفول منجور باشد
 حب بوا سیر حبت خونی و بادوی محرب است جو اهریک دام در روغن ماده گاو نه باشد
 بریان نموده کوفته قند سیاه یکد آم آمیخته حب بسته بوقت خواب فرو برد جمله یک شربت
 است حب بوا سیر که اگر خون بوا سیر نباشد باشد ازین حب جاری گردد و محرب است
 حفص هندی یک ماشه بلید سیاه یک ماشه پوست بلید کبابی یک ماشه متقل ازرق
 یک ماشه ریوند چینی یک ماشه کتیر ایک ماشه مغز بکاشن نیم ماشه مغز بکاشن یک ماشه
 سبوس اسفول سه ماشه سوامی سبوس یک ریگ ساید باک گندم حب زرد و زرد
 مجموع شانزده عدد حبوب سازند و یک حب بروغن بادام شیرین بفاصله یک یک اند
 استعمال نمایند و در روز خالی لعاب اسفول نه ماشه آب خالص سه چنانک شربت
 نیلوفر و توله باقی مخلوط نموده بنوشند بدینکه اگر گل نگیرد سه شقال شب در آب تازه
 بچسباند و صبح شستن با آن در آب و آبل بخند تا بطل روز بهین طور نوشند و صبح خون بوا
 و آبل بکاشن و نیز در آب است حب برای همدان مظهران محرب است و چرخ نکند
 بگلری یکد آم مغز خسته نه یکد آم جو بوا شش ماشه افیون دو ماشه کوفته آمیخته عرق
 بارتنگ ب سازند بقدر اخور که دو ماشه شش ماشه حب سیر برای رد معمولی
 شب یا نوبیان دو دام افیون یکد آم حفص هندی چهار دام برگ نیل پنج عدد عطران
 پنج شربت بر یا باریک ساید در کر اسی آهینی قدری قدری آب داخل نموده بدست
 آهینی خوب کهرل نمایند بعد از آن بر آتش گذارند تا آب او جذب شود و لایق بن
 صبا گردد و آن زمان حب بسته نگاه دارند و در آب برگ بکاین ساید بکارند حب
 آتشک مسهل محرب ککل یک توله حب نه یک توله مغز جال گوشتیک توله کوفته باریک
 نموده بقدر سیاه آمیخته ازین همه حب بسته یکد آم عرق غلب لعل یکد آم
 بلع نموده وقت تشنگی عرق مذکور یکد آم بنوشند غذا لطیف می مونک کم روغن
 حب آتشک بذر البیج و ونیم درم اجود و ونیم درم ناتخواه و ونیم درم جملانوه

کلاه دور کرده و در نیم درم سیاه و نیم درم کهنه سیاه و نیم درم اودیه گرفته بختی سیاه
 علی بن کسرل ساخته و رفته سیاه کهنه نیم با و اینهمه اودیه افتاده خوب مقدار کنار چنگلی
 سازند و یک حب هر روز فرو برند ایضا بنفشه عجب الاثر است بلبله سیاه بکتوله
 تو نای بریان شمشاد بلغم سوخته شش باشد حب اسطوخودوس عدد در یکصد و سیست
 لیون کافوری که آب آنها گرفته باشند کسرل نمایند و نقد کنار دشتی حب بندند و
 یک حب هر روز با برگ تمبول بخورند ایضا و وارنگ دو ماشه برگ پان بگل
 هفت عدد بجز مال گوشت هفت عدد رفته سیاه کهنه سه قول بایم اینهمه حب است یک
 حب صباغ با عرق عنب الثعلب نیم گرم بلغ نمایند وقت تشنگی عرق عنب الثعلب بخورند
 غذا دل باشد متشرب باشد ایضا مصولی بعد تنقیه و فصد شکوفه شمشاد تو نای
 شمشاد سه گانه چکش شمشاد نیم درم سیاهی چوباب نیم عدد جله اجزاء و طرف آبنوی آبنوی
 تا درازده ماس صلاینه عدد مقدار خود حب سازند یک حب بهم و یک حب شام
 بخورند حب آشک سیاه یک نانک اجوائین خراسانی یک بلبلوی صلاینه کلاه
 دور کرده یک بلبلوی قند سیاه و دو بلبلوی ایتمه اودیه سیاهی سیاه کسرل نمایند و از
 ماس یا در نمون آبنوی بعد از آن چهارده گوی بند یک گوی صبح و یک گوی شام
 همراه جرات بنوشند و اگر دهن آید از پنج کنار دشتی غرغره سازند لیکن از غریب کم مایه
 و پنج آنه و از امیر یک و سه چهار آنه گرفتن شرط است حب نافع برای نار فاسی و وج
 صف حاصل که سیب آن ماده سودا و سی باشد حب اسطوخودوس عدد و در سنگ است
 گرفته و رفته سیاه کهنه یک قول سرشته حب بند یک صبح بلغ نمایند و ناه که کندم که
 بر دهن گاه و چرب نموده باشند عقب آن بخورند وقت تشنگی آب تازه بنوشند
 و ستمای رنگارنگ اجابت خواهد شد هر گاه اجابت بزرگ نفع نباشد از آب برنج
 که در آب و دهن کافور نیم درم با کرده باشند بخورند تا سه روز بمهرن عمل نمایند حب نیم درم
 الاثر است بلبله سیاه بکتوله نیم درم شمشاد حب از نار شش حب اسطوخودوس
 سه عدد که سبزی اندوز آن دور کرده باشند در آب یکصد و سیست لیون کافوری کسرل

اولی قدر کنار دشتی حب سازند و یک حب هر روز بزرگ پان بگل بخورند حب اولی سلاطین
 که سبزی اندرون آن دو کرده باشند در آنکه نقشه منقحی گل حکمت کرده بزبان سبزی
 بر آورده نمایند حب سازند و بقدر تحمل مزاج بدیند فقط حب همسک یعنی همساک
 می نماید پنج سوکران سه شقال بذرا بلع سفید سه شقال کوفته بخته بمویز منقحی خندواند
 شسته در آب بخورند تا جذب شود پس خوب ساخته بقدر خود بزرگ یا زیاد حب
 تحمل مزاج بلع نماید حب همسک جفت بلوط دو ماشه و دوسرخ لبان ذکر و ماشه
 و دوسرخ بزرگ اکتب ماشه و دوسرخ مصطک روحی سه و نیم ماشه کوفته بهار روز اول و دوم
 غسل مصفی شسته خوب بمقدار چهار و نیم ماشه سازند و یک حب دوساعت قبل از جماع
 بخورند حب همسک دانه تهر میندی یک چشمانک چهار روز در آب نجیسانند پس بپوش
 و در کرده مغز را باد و چندان قند سفید کوبیده و تخم کرفس یک توله آمیخته خوب مانند خود
 سازند و بمقدار موافق و وقتیکه آب لیمون خورند اسهال دور شود و ایضا مسموم
 حکیم صاحب که به اکثر اشخاص عنایت فرمودند سبوس اسفول و توله در ظرف چینی
 یا شیشه نگاه داشته شیر بر گردان اندازند بعد یک گشت شیر بالایی را بپوش
 شود پس آن را در سایه خشک کنند و با هم مخلوط سازند و خورا بقدر احتیاج طبعی حسته
 آنرا در کرده گرد اسفول مبلول سابق الذکر اندران بر ساخته از بار چاشن بن کرده
 شش عدد یا پنج عدد یا زیاد موافق خواهش در یک آنرا شیر گا و خالص بخورند تا شش
 مانند بخت و توله شهد خالص یا نبات سفید آمیخته شیر نبوشند و خورا هم بخورند قبل و بعد
 از جماع اسهال آورد فقط حب با ختم و مقوی صحت و برای هم در المزاج
 طافع بلبله سیاه یک چشمانک بپوشت بلبله کابل یک چشمانک پوست بلبله نزدیک چشمانک
 پوست بلبله یک چشمانک آنکه آنکه نقشه منقحی یک چشمانک پوست بپوشت بپوشت یک چشمانک پوست بپوشت
 و توله زرشک بیدانه چشمانک اگر سوازی یک چشمانک بپوشت بپوشت بپوشت بپوشت بپوشت
 یک چشمانک کشمش خشک یک چشمانک او را به سوامی بلبله سیاه یک چشمانک بپوشت بپوشت
 را تکه کوفته و خورند در آب آنرا ترش و توله آب انار شیرینی و توله آب لیمون خندی و توله انیسون

صافی نموده اوویه نموده بالا درین آبها بنجیاستند و در سایه خشک کنند تا قریب قابلیت بستن چنان
رسد در آنوقت نمک لاهوری و نمک سیاه شش حصه اوویه بار یک ساید آید آمیخته بدستور جو سازند و خوراک
یک شش بعد طعام از اینها با خمیر سنبیل لطیف بهفت داشته سعد کوفی پنج داشته نفع خشک شش شش
حلیت شش زرشک میدان یک توله فضل سیاه پنج داشته دار فضل پنج داشته زیره کرمانی
بهفت داشته آبله قشقرق نه داشته پوست بلبله کابلی بهفت داشته گل سرخ سه داشته طباشیر کبود
سه داشته نمک لاهوری شش داشته نمک سیاه شش داشته نمک خمر شش داشته پوست برون پسته و دانه
در سر انگوری و آب لیون کاغذی بطریق معهود حسب سازند و بقدر مناسب بکار بر زنند و اینها
مجبوب براده صندل سفید نه داشته پوست ترنج نه داشته نفع خشک شش شش باور داشته
خولجان نه داشته سافج هندی نه داشته سنبیل لطیف شش سنبیل رومی نه داشته تخم کرفس
نه داشته گل سرخ نه داشته کشنیر خشک یک توله عود غرقی یک توله زیره سیاه نه داشته آبله قشقرق
دو توله بلبله سیاه دو توله پوست بلبله دو توله عاقر قرحا نه داشته زرباد نه داشته پوست برون پسته
دو توله سعد کوفی دو توله اوویه بار یک ساید یک شب و روز در آب زلال تمر نهانی
غرق نشاند نیم پاد سرکه خالص نیم پاد آب انار شیرین یک پاد بنجیاستند بار دیگر جوش
داوه آب آنرا بکیزند و انار و آنه ترش نه داشته زرد شش شش شده که در عاقر قرحا یک توله
رنجیب میل هندی دو توله نمک سانبهر دو توله نمک سیاه یک توله نمک لاهوری دو توله
نمک ترب یک توله نمک خود یک توله پوست اعل سید یک توله اوویه کوفه شش شش
نفع سلکده طباشیر کبود یک توله صفتل رومی نه داشته دانه میل یک توله
یک توله زرشک میدان یک توله نهندوه بدستور حسب سازند و قطره برده
مقوی و مانع و ملین سبوس سه درم شش آب بنجیاستند و معجون در دهان و دهان
نمونه بخین خراسانی و دانه درم حلکده یا صافی نموده مقدار دانه شیرین چهار درم مغر تخم کدو و درم
خشک شیر سفید و درم بگللاب خالص شش درم نرم نموده داخل کرده با شش نرم بنزد تامل حریقه
پس بدستور بکار داده بگرم بنوشند از اینها نشاسته شش شش شش کشنیر شش شش شش
شش شش رنغن گاو و درم شیر و دانه شیرین چهار داشته نبات سفید و درم و تخم کدو

گرم نمود و نشانی بریان کند بعد آن شیر جات انداخته جوش دهند تا اندک اندک جذب
 شود پس بدستور حریره سازند و بکار بندند ایضا مقوی بهی دال باش متقشر بر این نش
 و شیر گا و دو توله سائیده در روغن زرد گاو بریان سازند و قلیکه سرخ شود شیر مغز نادم
 شیرین سینه ماشه شیر مغز چلغوز شش ماشه شیر مغز فندق شش ماشه و شیر گا و گریخته
 نبات سفید نه ماشه اضافه نموده بدستور حریره سازند و قلیکه تیاری عرق کیو ره کتول
 اضافه نموده بنوشند ایضا سیون گندم ماشه حب لفظن چهار ماشه گل نشسته پاپاشه شیر خام و قلیکه
 شب در آب گرم یک پا و بخیسانیده صبح جوش داده صافی نموده شیر و خنکاش سفید نش
 شیر مغز تخم کدو نه ماشه شیر مغز تخم تر بنه نه ماشه شیر مغز ادم شیرین چهار
 نبات سفید سه توله اضافه نموده از روغن زرد گاو نه ماشه بگهار داده بدستور حریره
 سازند و نیم گرم بنوشند حلوا می خوب چینی که اکثر امراض مثل فساد خون و مسادر
 سهو تین و غیره را نافع آرد گندم سنی توله آرد و تخم و بست توله بر روغن گاو بریان
 چهار توله نبات سفید پنج توله گلاب خالص معرق بید ساده حلو و در این اخل نموده
 بر آتش ملائیزند چون نرم شود و در چینی یک توله مصطکی برو می یک توله شقایق و
 یکت له بهمن هر یک یک توله بهمن سفید یک توله زرد ابناء یکت و بسیار بکتوله از این یکت و قلیکه
 کبار یک توله خولجان یک توله نوز بدان یک توله خیمه اشلب یک توله خوب چینی
 قسم علی چهار توله سور بخان شیرین یک توله تخمیل یک توله زعفران هفت ماشه کوفته پخته
 مغز پسته هشت توله قرا و ادم شیرین و توله نارسیل تازه و دو توله قرقندق و دو توله مغز چلغوز
 دو توله حل زده چهار سازند و بر آرد و دو توله چغندر و دو توله شام حمول معمولی برای درم رحم
 عسر الریایه و حب الزریره شش ماشه ققاح او خوش شش ماشه تخم شسته و قلیکه شش ماشه
 شسته شش ماشه جاد شیر شش ماشه حلب شش ماشه میوه سائیده شش ماشه سبزه شش
 ابر ساشش ماشه فستقین و شش ماشه کوفته پنجه آب بزرگ سببها و دو توله آیت برینظمی
 دو توله سرشته پیوط یکت و یکت یا ن یکت له اضافه نموده پنبه عقیق و مقراض افزوده
 بطنه بن خسته خرماساخته بدستور حمول سازند فقط حمول که استقراط حمل کند

آب برگ کویلا زیره گا و در مارچه کبود و تر کرده حمل سازند و اگر خواهند باد شیر اضافت نمایند
 ایضا تخم خنظل برگ سد آب غشاع خشک زدن باد فوة الصنغ کوفته بخفته به بستر برگ خنظل
 مخلوط نموده حمل سازند ایضا القوی نوشاد بر سوده و درم اشق و درم اشق و در آب
 حل کرده نوشاد و در آن بشینند و شیان سازند سه عدد و یکی بازان گشت و درم من چشمه
 تمام شب دارند بخسند اسقاط کند ایضا پلید از کافور بافت بفرم جسم رسانند خاصه اگر
 این پلید را آب خنظل و طبع ذوقا به زهره گا و آلوده باشند ایضا تخم سرافو اسبند
 خوردن و بر روغن بلیان بر دشتن بچه بیگند ایضا انگر ذوقا بار زو
 بنجور مرسم محرب ست و گفته اند که اگر زن حامله بایستی بر بخور مرسم نداند و بچه بیگند فقط

تاسع

چون خواهند که اسقاط حمل کنند نخستین در حمام بروند و شکم را بر و من بیدار بخور یا کنگر فخره
 خوب بخالند و شور بار چرب خورانشند و از قوا بضات و حوالیات شدید منع فرمایند
 که استعمال کنند بعد آن مسقطات بکار برند فقط الانشاید این فعل که مواضع و اخذ او رسول
 خواهد شد هم طیب هم زن بمصداق آنکه الداشی المشرقی کلیمانی ان نقطه

باب الحاء المجمع

خضاب که موسی سفید را سیاه کند از وی بنجر خرد یک چشمانک و در یک گرم بطول
 بزبان نمایند که خام مانده و نه خاکستر شود پس بپزاید و آهن در که آبی آهنی سه روز در آب
 که پوست بلیه زرد و در آن جوشانید باشند که حل نموده خوب بطرز زرد و بند و نگاهدارند
 عند الحاجة ساینج بکار برند ایضا سرکه انگوری سبی و پنج شقال و شیر گاو هموزش هم
 بجوشانند تا قریب بافقار رسد پس سرکه کنند پوست انار شنی شقال آله متفشه شقی بسته
 شقال بلیه سیاه شنی شقال کوفته بخفته اضافت نمایند و شیشه کرده ناسته ماه و سه کین است
 است بپزاید بر آورده مور آب لیمون شسته خضاب کنند ایضا محرب بلیه سیاه برگ
 پنج شقال شیره بنفشه سیاه یک انار بکنگره سیاه سه شقال رشیه نیاف و پنج شقال رشیه
 انار هشت درم اجزا کوفته و ظرف آهنی کنند و در سر کین اسپ و من کنند و بعد

بعد از آنکه برادر دهنه خناب کنند لیکن هیچ قدری در دهان براند و نگاه کنند و بنگاه برنج سیاه شود و بگوید
قول قال صاحب السدید فی الاشی فی الخناب افضل من الوسمه بتقدیم جمع الحنای فی خناب
 بهتر از وسمه است بشرطیکه اول مو را از خناب صیقل داده باشند حمیرا و گاوزبان براسه
 امراض دماغی و تقویت قلب مفید است گاوزبان دو توله گاوزبان گیلانی سه توله مادر بخوبی
 دو توله ابریشم خام دو توله تخم بالنگو چهار توله زاج صد سفید سه توله در گلاب خالص سیاه
 صبح جو شایخ تا موفق خمیر سازد بعد از آن تمه سفید پاؤ آمار بقوام آورده اضافه نموده
 بدستور خمیره سازند بعد تیار می مشک خالص سه ماشه عنبر اشب و ماشه مروارید نافه
 یک توله بعرق کیوره ساینده اضافه نموده در ظرف چینی یا شیشه نگاهدارند **الاض**
 گاوزبان گیلانی چهار توله گل نیلوفر چهار توله مادر بخوبی چهار توله کشنیر خشک چهار توله
 ابریشم خام مقرض چهار توله تخم فرفشه یک لایه چهار توله تخم بالنگو چهار توله سفید
 چهار توله عنبر اشب چهار ماشه مشک خالص دو ماشه عسل خالص چهار توله نبات سفید پاؤ آمار
 ورق طلا شش ماشه ورق نقره چهار توله عرق گاوزبان یک آمار گلاب خالص
 یک آمار عرق بدیشک پاؤ آمار بقوام آید

باب الدال المهمله

و یا قوی نافع سعال اصل السوس است درم کوکنار کلان است عدد تخم خطمی پنج درم
 تخم خبازی پنج درم تخم خیارین پنج درم در آب باران یا آب گنگ نجیاست بقیه
 پیر بخوبی تانصف ماند پس مالین صافی نموده لعاب ببدان پنج درم لعاب اسفول
 دو درم با نبات سفید بقوام آورده بدستور لعوق سازند بعد تیار می صمغ عربی پنج درم
 و کثیر پنج درم نشاسته پنج درم رب السوس پنج درم شکایت ال آرخ پنج درم سودا
 غایده وانی که بیوشی آرد افیون یک نیم توله خشخاش سیاه چهار توله در تخم آمار آید
 بچوشانند تا بر بوی آید پس پاؤ آمار کنند دهان بچوشانند تا آب جذب کند پس گندم افشاک
 کرده بگویند مقدار چهار نیم ماشه بیوش کنند فقط **الاض** شوکران یک توله تخم کاهنجی شیر
 یک توله بذر البنج یک توله خشخاش سیاه دو توله کوفته بختی با بذر آمار بقوام سازند و قطره

گلنار فارسی یک شته زیر محصره یک شته باشد یک شته کوفته بیخته وز در سازند ایضا
برای حار گل سرخ شته باشد کشفه خشک شته باشد عدس مقشر شته باشد طباشیر کبود شته باشد
زرد و رسته باشد لبس ابیض شته باشد کات سفید شته باشد تخم خرفه سیاه شته باشد دانس میل
شته باشد گلنار فارسی شته باشد کافور قیصری دو نیم شته زرد الجرد و نیم شته کوفته بیته شبانه
ایضا برای بلغمی یعنی قللغ که لشکرت بلغم باشد گل سمیوقی یک شته غدی یک شته گاو زبان
سوخته یک شته سعد کوفی یک شته لبس سوخته یک شته برسیا دشان یک شته کباب چینه
یک شته کوفته بیخته وز در سازند نقطه ایضا برای بلغمی طباشیر کبود شته باشد زیر محصره حار
شته باشد بنج مر جان سفید شته باشد زرد و رسته باشد زیره کرمانی شته باشد دانس میل یک نیم
ماشته تخم خرفه سیاه شته باشد تخم تاج خروس شته باشد کوفته بیخته وز در سازند وزوری که
بجلیه قروح نماید راح محرق شش سرخ شکار خرق شش سرخ تو تهای بنبر شته سرخ کوفته
شل غبار نموده بپاشند وزوری که قروح آتشک و غیره با خشک کند خمره زرد
ده عدد و فلفل حمالیه دو توله برود و اسوخته باریک سوده بر قروح پاشند وزوری
که بیاض چشم را برود چشم را صاف گردانند سافج هند می شش درم نسق سوخته سه درم سره
اصفهان می سه درم نوبال مس سه درم سافج مغسول یک درم مرصاف یک درم صندل
سوخته دو درم ماسیران جستی دو درم صلابه کرده تا مثل غبار شود استعمال نمایند
وزوری که سوختگی آتش و غیره را نفع دهد درم دارشنگ دو ماشه آبک دو ماشه حنا کوفته
دو ماشه جابی سوختگی را بر و غن کل چرب کنند و این و ایران افشانند در سه روز خشک کند

باب الرار الملهة

روغن قسط برای امراض بارده و وجع مفاصل و غیره سودمند تصب الزریره ده درم
سنبل لطیف ده درم سافج هندی ده درم میوه ساطله ده درم بنج سوسن ده درم قرقه دو درم
اشته ده درم قسط تلخ پاتر ده درم مرصاف پنج درم درم شب و آب خالص یک نیم
بنجی استند صبح جوشانند تا ثالث با ندیس صاف نموده روغن بنج نیم پاتر
اضافه نموده بجوشانند تا آب بسوزد و روغن با ندیس بکاهد و روغن که بر

فروج چشم بر حجاب باشد مفید و غن کتمان در گرگ آهسته انداخته بر آتش گذارند و بعد از آن
 اقراص برگ گنبد و برگ ایر و برگ جلم و برگ بجنکه و برگ نرگه و برگ عسلج و برگ
 روغن مذکور سوزانند و از آتش فرو آورده بدسته آهن منقش کنند و از دست
 گذارند بعد سنگ را تحت چهار ماشه ششخون چهار ماشه مار یک سوره آمیخته نگاه دارند
 و کار برند و روغن که برای مخلوق مفید افتد مجرب معمولی بسیار و یک عدد دیند که نر
 که زود باشد و کلان در زمین او سنگها شش ماشه انداخته و روی او دوخته و گرگ آهسته
 آهسته نیم پا و روغن سر شفت که تلخ باشد انداخته و قتی که بسیار گرم شود و خفد و مذکور را انداخته
 نزدی بالایی آن که گاهی و یا کون و یا ظریفی دیگر بوشانند که دیند که بیرون رفتن
 نتواند بعد از یک ساعت از آتش فرو آورده هشت پاس کامل خوب که در لکمان
 بعد از آن در شیشه نگاه دارند و بوقت حاجت شیشه را تحت داده و روغن بیرون آورده
 سوای حشفه و سیون بر ذکر مالین و ضمیمه ایضا گذارند بالایی می برگ تبول بنگه گرم
 کرده بندند و فایده حرکت دادن آتش که جمله اجزای روغن که ترسب شده باشند مخلوط
 شوند و ثابت و یک روز همین طور عمل نمایند قضیب درست و با چه شوا انشا الله
 روغن مجرب برای غلظت خصیه که جهت نزول آب باشد و هم مقوی باه بسیار و پا نژده عدد
 چونک زنج کلان و بست مشقال خراطین صاف نموده باین طور که آب او در ک بران نشیند
 خالی که خورده باشند ندارند پس هر دو بزر و روغن کجند خالص ب بوشانند پس
 صاف کرده در شیشه نگاه دارند و قدری از آن گرفته نیم گرم بران شبین ضمه سازند بالایش برگ
 بید انجیر گرم کرده قرصه پنبه گذارند آتش از لنگوٹ جهت بندند و روغن بر آهسته
 بشور که کثیر از طوبت باشند و هیچ دوا اثر نکند در این به بشوند ضامی خشک ساخته
 شش ماشه کید شش ماشه آله مقشر منقش شش ماشه فلفل سیاه شش ماشه در
 سوره شش ماشه زرد چوب سوره شش ماشه ناخواه سوره شش ماشه اجزا
 سوزنی افزون گرفته اول در روغن تلخ یکبار و نوبت در فلوس سوزانده
 فبده آله اندازند هر گاه بسوزد ناخواه و فلفل سیاه اندازند هر گاه سوخته شود

ادویه دیگر کوفته بخت اندازند و بدست آید جل نمایند چنانکه خوب حل شود پس طلا نمایند
 روغن مسکن برای آتشک و گشای و غیره و خوب است پسته پنج توله رسپیور و از ده توله
 سقمونیایک توله بر سه را کوفته در شیشه آتشی کرده مثل جوهر روغن کشند و نگاهدارند
 و بوقت حاجت نیم سرخ در برگ پان بکشد و بجزند و اگر در شکم سوزش شود آب بنمک
 بنوشند بعد اجابت مطلوب کله طری میزدند که روغن بنمک و آب سرد بر دوشند
 و بفاصله یک یک روز استعمال کنند و در روز فاصله تخم بسم بالنگوشش تا شب با شربت
 شکر بنوشند و روغن برای درازی موسی یا بی آن منع شقوق و شقطه و مجرب آید منقی
 سی عدد و بازوی سبز خرد و ده عدد پوست بیلده و جزو تخم مورد و جزو بیکوفته و شراب
 رطل بنجیانند پس بعد و پر بچوشانند تا به سه رطل رسد پس همانی بنمک و سرکه و تخم
 حقیق و جزو خضاد و جزو پر سیا و ایشان جزو مسک کوفنی پنج جزو کنند و پنج تخم
 شمش کمان بوداده و جزو در آن بنجیانند پس سه شبانه روز بگذارند بعد از آن بنج
 ثالث بسوزد و نگاه صاف نموده روغن کیندر افزوده باقی بلام بنجوشانند تا آب بسوزد
 و روغن با ندیس بکار بریزد و روغن دیگر برای مخلوق تخم و بهوره هم از دام مالک کلنی هارام
 پوست پنج کینر سفید و دو دام کونگی سفید و دو دام انگوزه و دو دام خله باریک ساتیده و در تخم
 کیندر مخلوط نموده در شیشه انداخته روغن کشند و بکار بریزد و روغن برای قوت باه
 مجرب غوک خشکی ده عدد و ساندله و عدد کیکره و عدد و خراطین و دو دام کونگی سفید و دو دام
 کرم سرخ و دو دام پوست پنج کینر سفید و دو دام زبر تله و دو ماشه در روغن ماده نگاهدارند
 موافق تر کرده در ظرف مسی تا سه روز نگاهدارند بعد در شیشه کرده از آتش نرم پاچکدستی
 چوده کشند و استعمال نمایند و هر چند که نگرند دفع زیاد و خشت فقط

باب الزامه المعجزة

زرافه که بهندی بچکاری نامند زرافه که تخم قیر حه نماید و تسکین سوزش نماید شیر بز چنانکه
 آمار سبوس سبوس چهار ماشه یا شیش شش خالص چهار ماشه افزوده بدست و بزاقه
 سازند ایضا شیر بز یک چنانکه بجا کهن از ماشه قوتی می محرق یک ماشه مخلوط

ز راقه گیرند ز راقه که تجلیه قرصه و هم اند مال نماید شب یانی بریان یک ماشه توتیای بریان
 یک ماشه شون قلمی یک ماشه سنگ راحت دو ماشه گل ارغنی دو ماشه گف دریا پنج ماشه پس
 صفائی نموده کات سفید شده ماشه توتیا هشت سرخ جو اکهار دو سرخ باریک سود مخلوط
 نموده در آب سه چشمانک تر کرده زیر آسمان بگذارد شسته صبح بدستور ز راقه گیرند ز راقه
 معمولی که در اند مال قرصه نظیری ندارد و سنگ راحت چهار ماشه کاغذ سوخته چهار ماشه سفید
 از زیر چپ را ماشه پوست پنج انجا چهار ماشه حوض بندی چهار ماشه کات سفید چهار
 گیر و چهار ماشه صمغ عربی چهار ماشه گلزار فارسی چهار ماشه گوفه نیخته آب سرخ نیخته رقیق
 آینه خسته روغن گل نه ماشه آب بارتنگ سبز و توله اضافه نموده بدستور ز راقه سازند
 ایضا که بار با تخریر بر زمین برگ نیب نیم پاؤ در آب شیرین جوشانید و قتیکه حصیه
 باند نموده حوض بندی یک توله امیون خالص که نه دو ماشه در آب مذکور خیسانیده
 بعد چهار گهری دست بدهند تا خوب مخلوط گردد در شیشه نگاه دارند وقت ضرورت شیشه را
 حرکت داده و تکرار از آن گرفته بدستور ز راقه سازند ز راقه محرب خاک یک نیم توله
 بلبلیه منساه شش ماشه بلبله کابلی شش ماشه بلبله زرد شش ماشه سمندر سوک
 شش ماشه گف دریا شش ماشه امیون خالص و ماشه توتیای سبز خام سه ماشه فلفل
 یک ماشه حوض بندی نه ماشه اول بلبلجات را در سه پاؤ آب تر نمایند و شب و ششم دارند
 صبح بر او پوسانید در آن مخلوط نموده در شیشه کرده چهار پر کامل حرکت دهند و بده
 ز راقه سازند ز راقه شبان ابض شش ماشه حوض بندی سه ماشه در آب غلب
 سبز چشمانک آثار بدستور ز راقه سازند ایضا توتیای سبز خام و سرخ کات سفید
 یک ماشه دم الماخوین یک ماشه شون قلمی یک ماشه باریک سود و ده توله مخلوط
 نموده بکار برند ایضا حوض بندی دو توله توتیای بریان یک ماشه فلفل سوخته یک و
 سفید آب از زیر شش ماشه در آب تازه سه چشمانک حل کرده ز راقه سازند ز راقه بمیوح
 شانه و خروج القیع مفید طین مفر و چهار ماشه غنچه گل سرخ یک توله باریک ساینده حوض بندی
 یک توله ساینده کات سفید یک ماشه شب یانی بریان یک ماشه توتیای بریان سه ماشه

در این میان چهار ماشه

در عرق غلب اشغال بقدر احتیاج در شیشه کرده دو گهری خوب حرکت دهند تا کف آید
 بعد چکار می گیرند زراعت از موقوف رساله کباب چینی دو ماشه قهقهه ماشه
 قشقه سحر دو ماشه کات سفید ماشه گل ارغنی سه ماشه دم الاغین دو ماشه
 شب بامانی بریان دو ماشه کافور خالص دو ماشه لشب سبز دو ماشه گلزار فارس
 دو ماشه سنگجرات سه ماشه صمغ عربی سه ماشه کتیر استه ماشه نشاسته ماشه طلعی
 دو ماشه سفید آب ارزینه ماشه کونار کلان دو عدد اجزا با یک سائده در آب
 خالص نیم آنرا تر نمایند و قتی که احتیاج شود وند می از آن گرفته بفضله بنفشه مرغ شسته
 وقتیکه خوب مخلوط شود بدستور زراعت سازند لیکن اول تجلیه فرود نموده باشند از مواد

باب السین المصنعة

سفوف و افح حریان عتیقه صمغ عربی یک توله صمغ و صاک یک توله قشقه بیض محرق
 دو توله خسته انبه دو توله خسته حامین یک توله خسته جزایک توله خسته تمر منیدی یک توله
 سچول یک توله سچول مکھانه یک توله تالکھانه یک توله بیج بند یک توله سروالی
 یک توله کمر کس یک توله مصطلک رومی نه ماشه چوب بلوط یک توله نازوی سبز خرد کافور
 گل فوغل یک توله تخم خرفه سیاه یک توله شمشاد سفید یک توله حب الاس یک توله فستق
 یک توله گل مندی یک توله غلب مصری یک توله گلزار فارسی یک توله کوفته بنفشه شکر
 سفید هموزن ادویه ایمنه بدستور سفوف ساخته نهاده مقدار نه ماشه یا کف له با شیر گاؤ
 خالص تازه بلع فرمایند ایضا برای نمرینه مصطلکی رومی نه ماشه تالکھانه یک توله
 سچول مکھانه یک توله بیج بند یک توله سروالی یک توله طباشیر کبود شش ماشه گل سرخ
 یک توله موصلی سفید یک توله موصلی سیاه یک توله صمغ عربی یک توله بهر سفید یک توله فستق
 یک توله اما بهر شتر منقی یک توله کمر کس یک توله پوست بلید یک توله غراب مصری یک توله تخم خرفه
 یک توله قشقه بیض محرق دو نیم توله شمشاد سفید یک توله کوفته بنفشه شکر سفید هموزن ادویه افزوده
 بدستور معلوم استعمال سازند ایضا برای عتیقه که از هیچ حیل نرفته باشد در هم

حرارت برضای که بهیچ حیل زائل نشود کشتیز خشک هفت باشد کثیرا هفت باشد آله کشتیز منق
 هفت باشد تخم ریحان هفت باشد ست گاه هفت باشد مورچس هفت باشد پوست درخت
 هفت باشد صمغ دهاک هفت باشد زیوند چینی چهارده باشد ست سلاجیت چهارده باشد
 تخم سردالی چهارده باشد سفید سوکله چهارده باشد خار خشک خرد چهار باشد ستا و هفت
 دانه الاپی خرد هفت باشد کوفته بیخته نبات سفید هموزن ادویه آمیخته نگا پادارند علی اصباح
 نقد او یک توله با جوشانده پهلوی بول چهار توله که سه خصله اش سوخته باشد صافی نموده
 بنوشند غذا خشک و دال مونگ ایضا برای جربان مازومی سبز خردش باشد
 سنبلیطی هفت باشد قاقا صفا یک توله گل سیوتی یک توله طباشیر سفید یک توله
 قشقرق محرق و توله مصطکی رومی یک توله خار خشک خرد نه باشد سبزی شش باشد تخم
 خیارین نه باشد مغز بادام شیرین یک توله جفت بلوط شش باشد گل سرخ نه باشد گل
 منتهی یک توله موصلی سفید شش باشد زرد پوشش باشد صمغ عربی یک توله حب الاس
 چهار باشد موصلی سیاه شش باشد کشته قلعی چهار باشد کوفته بیخته سفوف ستا بستور و زرد
 ایضا اگر چه ترکیب سفوف نیست مگر چونکه مخصوص برای جربان است لهذا تخرید
 بگیرند نارجیل کلان که استخوان رویش دور کرده باشند سرش را سوراخ کرده تا ملکها نه
 را کوفته بیخته بپزند سازند که خالی نماند بعد ه سرش را از هموزن قد تراشید بند نموده
 بدو سیر آرد و خمیر کرده بند کوفته را ز کرده بر رویش بچید در ده آثار او پله آتش داده چون
 سرد شود بر آورده به روز نیک تا ملکها نه انداخته بودند بهمان وزن پوست ریشه آویران
 درخت برگد و بوزن آن پوست ریشه کنار جنگلی و گوند بول و کثیرا و موسله سنبلیط
 دال باشد مقشر ریان و ستا و تخم کوب و آرد سنگها را این مجموع دو د توله باریک
 کوبید هموزن شکر خام آمیخته نگا پادارند خوراک دو توله با شیر گا و تازه و پر پیراز
 محاسنت تا چهل روز نمایند سفوف که اسهال ملغم نماید اگر چه غلیظ باشد تب سفید مجوف
 خراشیده نباشد خار بقون بشترند کوزه باشد کثیرا چهار و نیم باشد حب لیل چهار و نیم باشد
 چهار و نیم باشد مصطکی چهار و نیم باشد بلخ اندرانی دو باشد و دوسرخ کوفته بیخته سفوف بنار

مقدار خوراک بهفت باشد و نه باشد سفوف تربید مسهل بلغم غلیظ و امراض بلغمی مفید
 تربید شرط بهفت باشد نجیب میل سه و نیم باشد گل سرخ سه و نیم باشد ریوند پسته
 سه و نیم باشد کوفته بخته باروغن بادام شیرین چرب نموده بدستور سفوف سازند
 خوراک نه باشد و بالایش آب گرم نوشیده باشند این سفوف تربید تربید شرط
 و نه و نیم باشد نجیب بهفت باشد شکر سفید سه و نیم توله کوفته بخته سفوف سازند
 و بهفت باشد بخورند آب گرم سفوف مسهل صفر اکل بنفشه شش باشد غنچه گل سرخ
 نه باشد پوست بلبله زرد و نه باشد سنار یکی نه باشد بار یک سائید بر روغن بادام شیرین
 چرب نموده بلع نمایند روز دوم این تربید بنوشند تخم خیار و لاتی یک توله اونی بخار
 و ده دانه اسفند فول یا شبنم غذا روزانه آتش چوشام کھنجر می نمونگ کم روغن سفوف
 که اخطا طلک را بر آرد پوست بلبله زرد و توله پوست بلبله کابلی بلبله و توله شوره قلمی
 یک و نیم توله ریوند چینی یک و نیم توله سنار یکی یک و نیم توله افیتمون و لاتی
 یک و نیم توله فلفل سیاه یک توله کوفته بخته سفوف سازند و نه باشد همراه آب الو بخار
 بخورند فقط سفوف سورنجان سهیل براسی و جج مفاصل سورنجان شیرین بهفت
 و درم برگ سنار یکی ده مثقال برگ خاسی خشک تله درم گل سرخ پنج درم قند سفید و درم
 زعفران تخم یک درم پوست بلبله زرد و بهفت مثقال تخم خطل سه درم کوفته بخته سفوف
 سازند و همراه عرق غلب الثعلب نیم گرم بنوشند مقدار شش باشد و نه باشد سفوف
 مسهل سودا از تولف رساله حب النیل و و باشد پوست بلبله کابلی و باشد پوست
 بلبله زرد و باشد بلبله سیاه سه باشد اسطوخودوس یک باشد بسفایخ و بخته یک باشد
 افیتمون یک باشد بادام شیرین سه عدد گل سرخ یک و نیم باشد سنار یکی باشد کثیرا
 یک باشد لاجورد مشغول چهار باشد غاریقون مشروط سه باشد او و یک کوفته بخته بعد
 لاجورد آمیخته سفوف ساخته نه باشد بخورند آب گرم اعانت براسمال مفید نموده باشد
 سفوف لاجورد و زین سفوف لاجورد غیر مشغول است و براسی صباب بالیخ و لیب
 و امراض سودا و یه سفید پوست بلبله کابلی پنج درم بلبله سیاه پنج درم غاریقون

درم سفنج فستق چهار درم افیمون و لایتنی چهار درم گل کلاو زبان چهار درم اسطوخودوس
چهار درم نمک نفعی چهار درم نمک لاجورد و غیر مسئول چهار درم نمک خرق سیاه چهار درم نمک
کوفته بخیه سفوف سازند غوراک نه داشته با مارالچین سفوف باضم براسی اطفال و غیره
شکار بریان نمک شوره قلمی سه داشته بلبله سیاه نه داشته پوست بلبله زرد نه داشته بادیان
و د توله و آنه پیل یک توله بزرگ کبابی چهار داشته با و کھنجا چهار داشته زرا بناد یک و نیم داشته
نفع خشک یک توله در روغن زرد کاکو بریان نموده نمک سیاه شش داشته اضافه
نموده بدستور سفوف سازند ایضا باضم نفع خشک نه داشته بادیان و توله پوست
بلبله زرد چهار داشته پوست بلبله کبابی چهار داشته بلبله سیاه چهار داشته عود غرق چهار داشته
بزرگ کبابی چهار داشته با و کھنجا چهار داشته زرا بناد سه داشته و آنه پیل یک توله اطفال
و د داشته ایسون چهار داشته ناخواه چهار داشته تخم کرفس چهار داشته زیره سفید چهار داشته
حواکهار چهار داشته کوفته بخیه مار و روغن بادام شیرین نه داشته چرب نموده نمک طعاش سه
نمک شور شش داشته نمک لاجوردی شش داشته شکار بریان دو داشته شوره قلمی چهار داشته نهانه
نموده بدستور سفوف سازند سفوف که فی بلغی را باز دارد و کند پنج درم صطکی و
پنج درم عود خام هفت درم انار دانه ترش پانزده درم قرفل و پنج درم قافله چهار درم
جوزبوا چهار درم لبنیه چهار درم سعد کوفی چهار درم نفع خشک چهار درم پوست ترنج
و درم قرفل خشک و درم گل سرخ شش درم شنبلیله طبیب پنج درم آماله مقشره منقی پنج درم
کوفته بخیه سفوف سازند سفوف که فی الدوام را باز دارد گل ارمنی نیم درم صمغ عربی
نیم درم گلنار فارسی نیم درم دم الاخوین نیم درم کندر نیم درم کوفته بخیه سفوف سازند
سفوف که شهوت طبع نه نان را نافع باشد ایسون ده درم تخم کرفس ده درم ناخواه ده درم
زیره کرانی ده درم فلفل سفید و نیم درم قرفل و پنج درم کوفته بخیه سفوف سازند قدر
شرت چهار داشته سفوف مغلط منی موصلی و کھنجا یک توله سردالی یک کباب
یک کت که تخم آوئنگن یک توله با ملکه نه یک توله پنج بند یک توله ال سفید یک کت که سفید
پنج توله کوفته بخیه سفوف ساخته باشی گاو تاز به بلع نمایند مقدار نه داشته ایضا مغلط منی

و برای جریان هم مفید چرا گوشت توله سبزه و سبزه توله تلخ بصری سبزه توله مصلی سفید بر توله
 مصلی سیاه سبزه توله قشر پیش خرق دو توله شقاق مصلی مصری سبزه توله شقاق کابلی سبزه توله
 بنات سفید نیم پاکه کوفته بختی بستور سفوف سازند خوراک از شش باشد تا یک و نیم توله
 بر چیز از شش و جماع و فلفل و غیره سفوف مسکرم غریبه بوداده و دوازده درم مفریادام
 مفریادام و دوازده درم دانه چینی دوازده درم بنات سفید دوازده درم حرس علی بنات
 کوفته بختی سفوف سازند خوراک سبزه باشد ایضا مسکرم مقوی تشط غریبه است و دوازده
 نشسته خشک چهار باشد تیر یک باشد کوفته بختی سبزه بختی سفوف که قطع دم و اسیر
 نماید جوز محرق سبزه زرده تخم مرغ سوخته سبزه ناشه کفید بوداده ناشه کوفته بختی
 با عرق بارتنگ بلغ نماید مقدار شش باشد سفوف سرطان برای سل سرطان
 سوخته و درم طبن قبری پنج درم صمغ عربی پنج درم خشخاس سفید پنج درم خشخاس سیاه
 پنج درم مفر تخم خرنوب پنج درم کوفته بختی با شربت خشخاش بخورند یا شیر خشک تاب
 سمنون برای ورود دندان و جریان خون ازین آن سنبلیطی باشد فلفل
 چهار باشد زنجبیل شش باشد عاقر قره دانه دانه هیل شش باشد الیچی کلان شش باشد کاج
 شش باشد کباب خندان شش باشد بنگ کابلی شش باشد مصطلکی رومی یک نشب یانی بریا
 یک نشب لوططاسی بریا یک توله سنگم احت یک توله گل ارمنی شش باشد دم الاخوین
 شش باشد سونان کمی یک توله کات سفید یک توله مازومی سبز خار دانه باشد دانه پهل
 بول یک توله گلنار فارسی یک نشب لوططاسی یک توله طباشیر کبود شش باشد کوفته بختی
 سازند ایضا گردسته باشد دم الاخوین سبزه باشد سنگم احت سبزه باشد گل سیوتی سبزه باشد
 سبزه باشد پوست درخت مولسری سبزه باشد پوست درخت بول شش باشد پوست انار ترش شش
 گلنار فارسی سبزه باشد گل فوجی سبزه باشد شب یانی بریا شش باشد مازوسه باشد مصطلکی
 سبزه باشد کوفته بختی سمنون سازند ایضا برای استحکام شش و بند نمودن آن برین غان تحرک
 دندان مفید است فلفل سوخته و دوازده کزنجار چهار باشد طباشیر کبود دوازده باشد
 دوازده باشد مصطلکی دوازده حنظل مندی دوازده مازومی سبز خرد و دوازده کات سفید

گلزار فارسی دو ماشه شب یانی بریان دو ماشه دم الاخوین دو ماشه کوفته بختی سمنون سازند
 ایضا مجرب برای استحکام لثه در و بایندن گوشت صالح و جلا بردن عاقر قرحا
 شش ماشه شرة الطرفه شش شقال و ج ترکی شش شقال سعد کوفی شش شقال
 پوست انار ترش شش شقال مازوسی سبز خرد شش شقال کند شش شقال گلزار فارسی
 سه شقال گلسرخ سه شقال مر و ارید سه شقال مر جان شش سه شقال خرف چینه
 سه شقال پنج سوسن اسما بخوبی سه شقال شاخ گوزن سوخته یک و نیم شقال
 براده دندان فیل یک نیم شقال پوست بلبله زرد یک نیم شقال طباشیر کنور یک نیم شقال
 تخم خرفه سیاه یک نیم شقال نشاسته یک نیم شقال کثیر ایک نیم شقال کشنیر خشک یک نیم
 شقال حدس قشربک و نیم شقال غلغل سفید یک شقال مصطکی یک شقال عود بلسان
 یک شقال کوفته بختی کافور منصور در دانه ایضا نموده بدستور ستون سازند ایضا برای ج
 دندان که کثیر الاستعمال است از راتی محرق یعنی کچل خسته شش ماشه عروق لصفه یعنی ملد می نه ماشه
 حب لقطن محرق یعنی بنه دانه سوخته شش ماشه عاقر قرحا شش ماشه غلغل گرد شش ماشه شب یانی بریان
 چهار ماشه مصطکی رومی شش ماشه کوفته بختی سمنون سازند ایضا مجرب برای دفع درد دندان
 و استواری آن کاغذ سوخته یک شش سماق یک شش لرد البحر یک شش نمک بریان یک شش
 سعد کوفی یک شش حب الاس دو ماشه پوست بلبله دو ماشه پوست انارین دو ماشه مازوسی
 جزو دو ماشه گلزار فارسی یک ماشه شب یانی بریان یک ماشه لباسه دو ماشه طباشیر
 یک ماشه شاخ گوزن سوخته سه ماشه کوفته بختی سمنون سازند ایضا مجرب بنبله تھو تھه
 بریان دو ماشه شب یانی بریان یک شش فوغل سوخته یک شش کات سفید سه ماشه
 زنجبیل دو ماشه غلغل سیاه سه ماشه بر و او دو پیرا کوفته بختی ادویه دیگر در آن آیه
 استعمال نمایند و همین فرودشته دارند که لعاب برود تا در بعد از آن برگ تنبول مح
 مصدا لرح آن بخورند و استعمال وقت شب کنند و چند و بعد آن آب بدین سانند فقط
 سه حوط که زعفران را بند سازند کاغذ سوخته دو ماشه پوست تخم مرغ سوخته دو ماشه آفاقیا
 دو ماشه مازو دو ماشه بسر که و توله انداخته مخلوط نموده در بینی بچکانند سه حوط که جدا

دانه الفیج در آب کاهوشش باشد روغن نیلوفر سه باشد شیر و خربزه شش باشد مخلوط نموده در
 بینی چکانند سه مراد شیر و خربزه نیست که زردی خربزه است شیر آن بگیرند و بکار برند فقط
 سحر که فالج و لقوه و امراض بارده دماغی را سود دهد صبر زرد و دانه باشد شو نیز دانه
 بوره ارمنی در آب مسامی در آب برگ چغندر آبیخته در بینی چکانند سحر که امراض
 دماغی را سود دهد روغن بنفشه با دام و تولد روغن نیلوفر و تولد آب کاه بود و تولد شیر و خربزه
 دو تولد با سم آبیخته قدری قدری در بینی چکانند ایضا عرق بید ساده سه تولد عرق
 صندل سه تولد کافور خالص سه باشد با سم مخلوط نموده در بینی چکانند سکنجبین سحر
 مفرح و اضمر عود و سندی چهار باشد سعد کوفی سه باشد دانه سیل سه باشد پوست زرد
 اترج سه باشد کشمش خشک سه باشد صندل سپید سه باشد غنچه گل سرخ چهار باشد
 گل بسکه چهار باشد زرشک سدان یک که گار زبان گیلانی سه باشد آب شیم خام قرض
 سه باشد طباشیر کبود سه باشد آمله متقشر منقی سه باشد دانه کمون کرمانی سه باشد زرد و دانه
 گرو ساق سه باشد سافج سندی سه باشد پوست بیرون بسته چهار باشد کوفته بنفشه شربت
 انارین چشمانک آثار مرئی به سه تولد مرئی سیب تولد غسل مصفی با و آثار و سرکه خالص
 نیم آثار عرق شناع چشمانک آثار آب لیمون کافندی سه تولد آب ترنج سه تولد آب لیمون
 سه تولد آب فضل تر سه تولد آب بخیل تر سه تولد نبات سفید نیم با و بقوام آورده
 ادویه اندوده بدستور معهود سکنجبین سازند فقط

باب الشین المجمع

شربت بنوری بار و معمولی خاندان اوستاد حقیر تخم خیارین سه تولد تخم کاسنی
 دو تولد پوست پنخ کاسنی یک نیم تولد تخم خربزه یک نیم تولد خار خشک خرد یک نیم تولد شب
 در آب گرم یک آثار و یک با و بنجیسانند صبح خوشانیده صافی نموده شکر سفید یک نیم با و بنجانه
 نموده بقوام شربت آرند شربت بنوری حار تخم خیارین دو تولد تخم کاسنی دو تولد
 پوست پنخ کاسنی یک نیم تولد پوست پنخ با و بان یک نیم تولد تخم کرفس یک نیم تولد پنخ کرفس
 یک نیم تولد در صره بسته شب آب گرم یک آثار سه با و بنجیسانند صبح خوشانیده صافی نموده

شکر سفید آمارا اضافه نموده بقوام شربت آرد شربت و در سنانی که سحاح نماید
 غنچه گل سرخ و پنج توله در آب سته آمارا بجوشانند تا دو ثلث بماند یعنی صافی نموده
 غنچه گل سرخ و پنج توله دیگر افزوده بجوشانند تا یک ثلث باقی ماند باز صافی نموده
 سنا رکی دو توله غنچه گل سرخ و دو توله اضافه نموده بجوشانند تا پا و آمارا بماند پس صافی
 نموده قند سفید پا و آمارا اضافه نموده بدستور شربت سازند قدر شربت چهار توله و پنج توله
 آب سرد اگر مانعی نباشد شراب مسکری یعنی سکر پیداکندنج بوا سیرا سود و در همدیگر
 قوت دهد و بوی دباغش کش کند سعد کوفی شش توله آما به نقشر منقی سه توله قند سیاه کهنه
 و دو توله رسته باشد و رویه کوفته در سته آمارا آب تر کرده و در ظرف چینی زیر زمین تا یک هفته
 و هفت کسبند یعنی بر آورده جوشانیده صافی نموده بقوام شربت آرد قدر شربت سه توله
 ایضا مسکری در ابی امربه بارده مفید و رطوبت فاسد را از معدن پاک سازد و بخیل
 یک نیم توله دارچینی یک نیم توله انه الایچی خرد و هفت ماشه و انه الایچی کلان هفت ماشه
 قرنفل سه و نیم ماشه همه اکوفته در دیگ کنند و زرد و نیم آمارا آب بجوشانند تا دو ثلث آب
 برود و پنج صافی نموده شکر سفید انداخته ملائم بپزند تا بقوام آید پس صافی نموده در شیشه کرده نگاهدارند
 قدر شربت سه توله شراب مسهل یعنی رست آوزندج اسهال بلیغ و سودا کند و صاحب
 آتشک را مفید افتد و پوست تخم خنظل دو توله پنج خنظل چهار ماشه فیتمون و لاتی سه توله
 و صره بسته سنا رکی سه توله در آب سته پا و بجوشانند چون ثلث بماند بالا اند و هم چند تناید
 شکر افزوده بدستور شربت سازند قدر شربت چهار توله آب گرم شربت مصفی شنی
 تصفیه خون نماید و دامت بر او از خارش و دیگر امراض باز دارد و ترشندی سبب در آلون غلیظ
 ده درم عناب و درم زرشک بیدانه پنج درم پنبنتین و می پنج درم گل نیت و درم گل خلت
 بکاین پنج درم گل خناب پنج درم تخم بنوی پنج درم براده صندل سفید پنج درم حراره پنج درم نملک
 پنج درم برم و نیم پنج درم براده چوب آبنوس پنج درم سفنج فستق پنج درم
 شانه شرف پنج درم سر هکله پنج درم بلبله سیاه پنج درم فیتمون پنج درم در صره
 بزرگ کابی پنج درم شب و آب گرم پنج آمارا بخپسانند صبح جوشانیده و تکیه کرده گرم نمایند

در
مجموعه
طب
طباطبائی

صاف نموده شعله خالص نیم آمار اضافه نموده بقوام شربت آرد شیان امیض
برای ارید مغیبه کثیر او دماشته سفید است ارزیز دوماشته صمغ عربی دوماشته حنظل مندمی
دوماشته افیون خالص یک ماشه زعفران تخم چهار سرخ کوفته آب اکلیل الملک خواه بمسند
بیض مرغ شسته خوب بندند و عند الحاجة بشیر و خر یا به سفید بیضه مرغ یا آب عناب بلباب
سایه بکار برند شیان که عقب سهل استعمال کنند اگر اسهال تقصیری شود
برنجین خراسانی شش ماشه صابون دوماشته نمک طعام سه ماشه کوفته آمیخته بدست
شیان ساخته استعمال کنند ایضا فلوس خیارشسته ماشه نمک طعام سه ماشه تنباکوی
کشیدی سه ماشه باهم آمیخته شیان ساخته بکار برند ایضا شکر سرخ سه ماشه نمک طعام
سه ماشه ترد سفید دوماشته صابون سه ماشه باهم آمیخته باروغن گل باشد چرب و ده
شیان ساخته بردارند قاعده باید که در ساختن ملحوظ دارند که چهار گشت مضموم
صاحب آن باشد یعنی شخصیکه شیان گیرد

باب الاصابه والمهله

صمغ که در اغ سپید را زایل گردانند و جلد بحالت اصلی آرد و مرغ محلولی آب لیمون
سه توله نو سادر یک توله باهم آمیخته ضماد سازند ایضا خون ریسه مالیدن نفع میدهد
ایضا گوگرد زرد یک شعله کل اینی شش ماشه باجی دوماشته اول باجی اد عرق ادرک باجی
بعث او و به دیگر انداخته خوب حل کرده بکار برند ایضا گوجه سفید سه ماشه
شرجه کتیا سه ماشه حنظل مندمی سه ماشه اجو این خراسانی سه ماشه قشر الرمان
سه ماشه صندل سرخ سه ماشه گوگرد آله سار سه ماشه باجی سه ماشه ادرک سه ماشه طین
سه ماشه توتیا سه ماشه سرکه انگور بی سه ماشه کوفته بیخته در آب ادرک شب بخیسانند
صمغ صلا کرده بقدر کنار دشتی خوب زنده خشک کنند و به آب تازه سایه برداغ طلا
نمایند روزی چند مرتبه صمغ مجرب برای هتق امیض کبریت سوخته چهار دم فرغ خون
و در دم بلاد سوخته و در دم خرق سباه یک دم سبطرج هندی یک دم شقایق لطیفان
یک دم کوفته بیخته با سرکه کهنه طلا کنند صمغ که بقی امیض را زایل سازد و تخم ترب و ماشه

شش طرح بندی و دماشته قوه الصبغ و دماشته کندش و دماشته خردل و دماشته کوفته بجنه
در سکه کشیدند و در آفتاب نشسته ببالند صبیح محراب و از نموده و خمره زرد و کلان
هموین آن تو تپاسی گویانی و کات سفید این همه جزا در یک سبوحه انداخته شش محکم
نشوده بر آتش پاچکد شتی گذاشته آتش تیز دهند تا خوب خاکستر شود پس همه ابر آورده
نگاه دارند و بقدر دماشته وقت صبح آب تازه خورند و این رو و ابر داغ طلا کنند
زربنج طبقی و دماشته کات سفید و دماشته کوفته بجنه در گل صد برگ تازه کسر نمایند
بدون آب و در روی آفتاب نشسته تا چهار گویانی ببالند روز دوم نیز در گل صد برگ بپزد تازه بپا

باب الضاد و المعجمه

ضماد برای تنق اشین نقل ازرق یک توله برگ سر و چشمانک آثار مازومی بنبرد
سه توله جوشانید باشند یک شبانه روز خیسانید مالید اقا قیاسه ماشه گلناز بار
سته ماشه حصص هندی سته ماشه عصاره لخته البقیس طراشیت سته ماشه زرا نیا دسه ماشه
بیخ ریحان سته ماشه زیره سفید سته ماشه زیره سیاه سته ماشه جوز بوا سته ماشه خرنوب سته
سته ماشه عسلش گادنی سته ماشه کوفته بجنه در صلیا یا اندازند و بدست ببالند تا شل
هر هم شود پس بکار برند ضماد و برای درم خصیه سوداوی غلب الثلب ماشه گل خطمی سته
گل نقش سته ماشه آردو سته ماشه گل بابونه سته ماشه کوفته بجنه پیه قاز سته ماشه پیکیان
سه ماشه سه گره پز سته ماشه باب کشین زرشته نیگرم ضماد سازند ضماد و نافع براس
وج الرحم که اکثر زمانه ابر وقت ذر و رطمت عارض میگردد صبر سقوطی آب غلب الثلب
آب کاسنی بنهر حله کرده جوشانید بر عانه ضماد سازند تا سته روز الضاد برگ نیب گرم کرده
بر عانه گذرانیدن و ج زائل میکند و او را رنجوبی میکند الضاد او ند خطمی قدس
تقد می روز می چند بار خورائیدن و کوکنار در آب تر کرده آب و می بالاسی آن نوشانید
منفید میشود و پیه نهانی صحت الدوله جاور یعنی حکیم سید مرزا خان صاحب واضح شد که
دوامی انگیز می که اهل فرنگ از او بر بپا مانند مقدار سه سرخ تا چهار سرخ همراه
شربت بنوری با بود و تو آید تا هفت روز نوشیدن و ج معلوم از اکل میکند

و بار نام تجربه رسیدن نقطه ضما و که برای نوا سیر یعنی قرصه مقعد بکار میسازند و تسکین دهنده است
 کات سفید یک توله حق بلوغ نموده پارچه نیر نموده سه بار تا که خوب مثال غبار شود
 از انگشت بر قرصه بپایانند ضما و که اسهتقارزقی را سفید سنبلیط است داشته
 سه کوفی سه داشته افری یکی سه داشته گل بابونه سه داشته اکلیل الملک سه داشته
 شکل نیر دو توله یا شکل آه در آب غنبل الثعلب سبز پنج توله آب برگ چغندر یا آب برگ
 ترب سائیده نیم گرم ضما و سازند ضما و برای استسقا لجمی آب برگ و بهتوره سه توله آب
 برگ غنبل الثعلب سبز سه توله آمیخته ضما و سازند ضما و که درم طحال ابرو اشقی سه داشته
 صبر زرد سه داشته جاوشیر سه داشته گل بابونه سه داشته اکلیل الملک سه داشته در سرکه
 خالص چهار توله روغن گل نه داشته افزوده نیم گرم ضما و سازند ضما و اقوی بر جفا و
 سه داشته اشقی سه داشته انجیر زرد و لایتمی دو عدد و پوست سیج کنیر سه داشته سکنج سه داشته
 زرا بناد سه داشته خاکستر خوب انگور سه داشته جاوشیر سه داشته در آب غنبل الثعلب سبز چهار توله سائیده
 سرکه خالص دو توله روغن گل نه داشته افزوده نیم گرم ضما و سازند ضما و برای ابرو گیر سه داشته
 صندل سرخ سه داشته خضخض سندی سه داشته برگ نیب هفت عدد و افیون خالص یک سه داشته
 زعفران چهار سرخ شب یانی بریان دو سه داشته در آب برگ بجای سه توله سائید نیم گرم ضما و
 سازند ضما و برای رم لثه بار و بخیل قیر است سه داشته غنبل الثعلب سه داشته روغن گل
 نه داشته افزوده نیم گرم ضما و سازند ضما و اگر بر معیت نهند اسهال آورد با قلامی مصک
 و زعفران گذشته شیر خالص چندان بران ریزند که بالای دمی بیاید چشمت او و روغن
 گاو هموزن آن اندوده بدستور تیار ساخته بالای پارچه کشید بر معیت نهند اسهال
 آورد و ایضا زهره گاو یک عدد و عسل یک توله روغن زیت یک توله شحم خنظل یک توله
 یک توله بدستور مزج ضما و سازند ایضا عصا در فشار الحار دو توله شحم خنظل یک توله
 زهره گاو عدد و مخلوط نموده بر شکم ضما و سازند اسهال آورد ضما و که هماسه را زرا نخل
 سازد و لیوی کاغذ می تراشید و ران زعفران سه داشته و گلت دریا دو سه داشته مرکب از پاره
 پاره زهره گاو بالایش آرد گندم باب شتر پیچیده در آتش انداخته و فیکه سرخ شود و آتش سرد کرد

خمیره دور ساخته ادویه برآورده ضماد سازند ضماد که بکمان از بدن برآورد اشق سته باشد
 پیاز سته باشد رگس سته باشد فی کوفته سته باشد بعل شسته ضماد سازند ضماد که ضعف معده
 شود و حسب الاس سته باشد عود غرق سته باشد گلناشت سته باشد برگ مور سته باشد
 پوست به سته باشد پوست سیب سته باشد گل سرخ سته باشد صندل سرخ سته باشد صندل
 سته باشد کوفته بختیبه به گلاب یا آب سیب چهار توله سرشته ضماد سازند ضماد که دماغ را
 به تحلیل برده جلده سته باشد میوه سبزه سته باشد موم سفید سته باشد باهم آمیخته قدری گرم شده
 ضماد سازند ضماد که کوفته را سفید ریزد چوب سته باشد عذس بریان سته باشد باب
 سته توله سبایح ضماد سازند ایضا مغز تخم ازب سته باشد در شیر زشته توله سبایده
 ضماد سازند ایضا گلیم کهنه سوخته یک توله در روغن مرشفت سته توله سبایده ضماد
 سازند ایضا چوب کهنه درخت تار شش باشد که بعد ریختن برگ بماند در روغن
 بید بخورد و توله سبایح ضماد سازند ایضا عدس یک دو توله بنگ و دو توله در روغن خجند
 پنج توله خوب بسوزانند بوی خوب حل کرده بکار برند ضماد و کلفت یعنی جمانین و درکن ازب و زیت
 سفید سته باشد کیره سته توله کوفته بختیبه باشد گاو ناز و بر کلفت بماند ایضا اجرام مغز عشار
 دو کرده هموزن آن آبک آن آمیخته عرق لیمو زده ضماد نمایند شود ایضا از صحت الد و حکم
 سید مرزا خان بهادر اسم الفار یک شته کبریک باشد صندل سرخ و در اشق صندل سفید و دانه جوی
 دو دانه کوفته بختیبه همراه عرق لیمون یا عرق آدرک است عذ الحاجت بعرق لیمون یا عرق بکار برند
 ضماد که پستان را بزرگ شدن نه خون شیره یعنی چکار و تازه تازه در دوشه بکارند
 ایضا گل مجکین سته باشد گل چاندنی سته باشد مغز سر پنجه سته باشد قشر آمله سته باشد باب بذر الیغ
 شسته ضماد سازند ضماد که منع روئیدن بگو کند زبونی چونک سوخته با سرکه یا آب
 سرد آمیخته خوب مخلوط نموده موراکنج بر همون موضع قدری چسباند باز روئیدن
 ندهد و بیهوش ضماد که تسکین وجع نسل مفاصل و صدر و عظام و غیره نماید پنج نقشه
 سته باشد پنج سته باشد سورنجان تلخ سته باشد مصطکی سته باشد انیسون خاص
 یک باشد نه هضرا این تحفه چهار سرخ و در روغن در توله سبایده نگیم ضماد سازند

باب الطار الملهة

طلایی که باه را قوی و قضیب را سخت کند سنهاگه سه و نیم ماشه فلفل دراز هفت ماشه
 یک عدد بول بز بقدر آب زهره هردو ادویه مالیت بار یک ساینج باهر و دوز را آخر
 در کحل انداخته حل نمایند تا که قابل طلاء کردن شود پس طلاء نمایند و بعد یکس از
 آب گرم شسته مجامعت نمایند طلایی که مخلوق را می افتد پیه شیرین ماشه زهر تله شش
 مغز پنبه دانه شش ماشه تریاک مصری یعنی افیون دو ماشه گوی سقید و دو ماشه هر دو ادویه
 در شراب و آتش حله و نگاهدارند اول روغن خراطین با هر که باشد بزرگتر مالیت بکنند
 طلاء را ادویه مذکوره ننود و بالاسی آن برگ تنبول گرم کرده بسته باشند هفت روز همین
 عمل نمایند مجرب است طلایی مقوی باه سنبل پنج درم مسیه سائک پنج درم سافور پنج
 پنج درم قصب الزیره پنج درم پنج سوسن پنج درم قرفه پنج درم راس خشک چهار درم
 سیلیند و نیم درم عود خشک دو نیم درم مرصاف یک پا و درم قزقل یک پا و درم
 مجموع را کوفته پیخته در آب بپزند تا حصه سوم بماند پس با روغن بنجد بپوشانند تا آب
 بسوزد و روغن بماند پس غصص دشتی در شیر میش یک شبانه روز بنجد بپزند بعد با یک
 سووه در روغن معلوم سرشته سوامی حشفه طلاء سازند ایضا دارند یعنی جمال گوشت
 عاقر قرحا سوگند مساوی با عسل تا یک پهر صلا به نمایند پس بر پارچه باریک لایت نگاهدارند
 وقت حاجت حشفه گذاشته بزرگ بپزند سه سحر بسته دارند بعد و آنگاه ایضا
 جلق زرده را سفید مغز پنبه دانه ماشه ماشه افیون قسم اول سه ماشه در شراب بنفشه
 طلاء ساخته بالایش برگ تنبول بسته دارند تا هفت روز ایضا بپوشانند باید که بهر وقت
 بپلونی کرد و عدد زلوکبال احتیاط بپاشند هرگاه از بخون پیر شوند جدا کرده فوراً بسیار در شراب
 تند سائید ضماد سازند و در موضع گرم را و آفتاب و در دهیم سرانقصال تش نشسته حرارت
 نارسانند هرگاه لفظ طاشه ضماد را با عانت پر کورت و سازند مجرب است فلفل طلایی
 که لفظ طارد مجرب است زلوی زنده یا زنده عود خراطین شسته خشک کرده نسبت بمقتضای
 در روغن بنجد تازه خالص بپوشانند پس صاف کرده و در شب سه نگاه دارند

حسب حاجت قدر می نیم گرم سوجالی قصب طلا سازند طلائی که قلعظم ذکر نماید و ایضا اگر
قصر باشد طویل نماید زلوده عدد در روغن زیتون سه چنانک پنجه اگر قصب طلا نماید
چهل نیکور کند ایضا زلوده یک نازجیل که آتش نگرفته باشند اندک سرد می تراشید و جو
کند که در آن انداخته باز سرش محکم بسته تا هفت روز تا مل نمایند جو بر آورده ساینده سبزه
طلا نماید محسب طلائی که اگر قصب محض شود فریگرد اند اول ذکر را بپارچه نشن
چندان مالند که خوب سرخ شود پس زفت رومی در شراب ساینده طلا سازند و در
چند بار طلائی که خارش را میزدافتند قصبه یعنی رال شش باشد باریک سوده در تحا
سجول که آشته تو تپاسی که بانی شده باشد زریق تر شش باشد افزوده روغن یا سمین چهار تول
با کلاب خالص نیم پا و قدر می قدر می که آشته چندان کف دست دهند که روغن و کلاب
چهار جذب شود و اجزا منقح پس عطر موتیا یک شته مخلوط ساخته در ظرف صحنی یا سفال
نگاه دارند و بکار برند ایضا تخم نالکس قدر می گرفته آب قلیل بر آن پاشید چندان که
تر شود در صره بسته خوب بوقت شب بر بدن مالیدن چندانکه روغن بیرون آید و چون خشک
شود باز تحمل نکون نمایند و صبح آب گرم بشویند بزودی زایل گردد ایضا رال قلمی یک
اول از آب شسته لعاب اسپغول نه باشد روغن سیب چهار توله افزوده بر دانه مالند
ایضا موم زرد و توله در روغن چنبیلی و توله در روغن گل یک توله که آخته کافور خالص
دو باشد سیب نه باشد افزوده در تحالی سجول سحی بلنج نموده بکار برند ایضا محسب
تخم پیاز سه توله مس سوخته سه توله گوگرد زرد سه توله روغن گاو یک توله اجزا گرفته در روغن
مخلوط ساخته در ظرف آهنی بار روغن گل چندان حل نمایند که رنگ او سیاه شود بعد از آن بر
دانه مالند طلائی استقلاط تولول بواسیر کند بشیر طیکه اول و سه مرتبه بنظول شیر گاو
نمایند و باز ضاد سازند بعد زمانی ضاد را در سازند و باز بنظول شیر گاو نمایند و باز ضاد
سازند همین کار عمل نموده باشند معطر نمولی شش باشد تخم بکائن شش باشد حنظل سبزه
شیر که منقل از زرق شش باشد سفید اب از زرق شش باشد باریک ساینده روغن
و توله آب کاسنی بزرگ توله آب عنب اشک باریک توله اعصابه نموده بپایان

طلای سازه طلای که چون بر پستان زن گذارند پستاده شوند لجه لوسته باشد اسکنه
 شده باشد و در سرکه خالص ساینده هر روز سه بار بر پستان طلا کنند طلای که پستان سخت
 کند کتفه چهار باشد قرصه چهار باشد صمغ عربی چهار باشد بنج کنیر چهار باشد بسایند با سکه گاویش
 طلا کنند تجرب است ایضا که اگر بر قصب طلا نموده مجامعت کنند جانین بر لذت و در
 فاضله الیک یعنی سکنه آن مرغ یک باشد طلح الحی یک باشد از آب دمان تر کرده
 ساینده بر حشفه طلا ساخته مجامعت کنند

قال صاحب السیدی بو طلی الرحل شحم الحمام الابيض علی القصب
 وقت الجماع ففتقنه امراته

یعنی گفت صاحب سیدی اگر طلا کنند و شحم کبوتر سفید را بر قصب وقت جماع پس بپس
 لذت بسیار زن عاشق او شود ایضا اگر بر طلا نموده مجامعت کنند زن زود تر
 منزل شود بپس لذت کافور زیاد یک باشد سها که یک باشد ساین بزرگ طلا کنند
 ایضا سیاه و کافور ساین طلا کردن طلای که فرج زن را تنگ کند پنبه دانه
 و دانه در روغن در تو له بچوشانند و طلا کنند طلای که علت ابد را بر طرف سازد شحم گاویش
 سوخته باروغن زیت مخلوط نموده بر قصب طلا کنند و اگر شحم ماده اش را بطور مذکور بکار
 موجب حدوث علت معلوم میگردد و طلای که منع اثبات نموند شیر انجیر یک شنبه چینه
 یک شنبه کف در یک باشد ترشی ترنج یک باشد با هم مخلوط نموده موی را کنند بر همان
 موضع طلا کنند با موی نر و طلا فی که قلع نایل کند مازوی بنزد و باشد شب با فی بریا
 یک شنبه تخم جبر و دانه کوفته بخته زهره گاو یک عدد و شنبه چند مرتبه طلا کنند فقط
 طلای که اگر بر قصب طلا کنند و زن استمن مجامعت نمایند استقامت حاصل کند سداب خشک
 و دانه نظرون دو دانه کوفته بخته آب سداب سرشته بر قصب طلا کرده مجامعت کنند

باب الطار الجمعه معوزت باب العین المهمله

عرق مجرب برای در تله ای کل منقبضه نیم باو کل نیلوفر نیم باو تخم نیم باو تخم خیار بن نیم باو

عنب اشکلب نیم پاؤ پوست بلبله ز پاؤ آثار پوست بلبله سیاه پاؤ آثار شوق و توله جاوشیر سه توله
تر و سفید شش و چهار توله انیسون نیم پاؤ غنچه گل سرخ نیم پاؤ سارنگی نیم پاؤ افیتون لایتنی نیم پاؤ
سلفنج منقش پاؤ آثار فلوس چن شنبه پاؤ آثار شش غنچه نیم پاؤ پنج غنچه نیم پاؤ مغربه بیدانه انچه پاؤ آثار شش
کسطل چهار عدد در طرم پاؤ آثار شکر سرخ نیم پاؤ پنج غنچه نیم پاؤ مغربه انچه پاؤ آثار مغربه نیم کسطل چهار عدد
قرطم پاؤ آثار شکر سرخ پاؤ آثار روغن بید انچه و شستی پاؤ آثار شست آب یک من بخیسانند صبح
در ستود عرق شوی آثار کشنده عرق را بی حمی فرسته گل بیلوف و توله گل نفیسه سه توله گل سیوتی توله
عنب اشکلب پنج توله شاخ و برگ گرسه توله تخم پاکک سه توله تخم خیار و لایتنی پنج توله تخم کاسنی پنج توله
تخم کاهوس و قشقر چهار توله زرشک بیدانه پنج توله آوای بخار انچه آثار کنول گشته پنج توله شاهتره
سه توله تخم خرفه سیاه سه توله آله قشقر منقش سه توله کشیز خشک توله تخم کدو پنج توله تخم ترتر
پنج توله کلهوس نیب نیم پاؤ ریزه کرده شب و عرق عنب اشکلب سه آثار عرق کاهو زبان چهار آثار
عرق بید ساده سه آثار بخیسانند صبح آب ترتر نیم آثار آب عنب اشکلب یک آثار آب کاسنی سبز
یک آثار آب کدوی شوی نیم آثار آب نارنج نیم آثار آب رنگره پاؤ آثار آب نارنگی
ولایتی پاؤ آثار آب نارنگی و سی پاؤ آثار آب لیموی شیرین نیم آثار آب سبکهار ایک آثار
آب پیچیده مشونی نیم آثار آب تخته بکلا نیم آثار آب کشیز سبز پاؤ آثار برگ بید ساده پاؤ آثار
اضافه نموده به ستود مشت آثار عرق کشنده وقت کشیده کافور خالص و ماشه دست گلو
شمش باشد طباشیر کبود یک توله در پوئلی بسته در دهن نیچه بیاورند عرق بر آغشکان
و حرارت خفیفه گل نفیسه نیم پاؤ گل بیلوف نیم پاؤ گل سیوتی نیم پاؤ عنب اشکلب نیم پاؤ گاو زبان
گیلان نیم پاؤ باد صندل سپید پاؤ آثار تخم شاهتره نیم پاؤ تخم پاکک نیم پاؤ تخم خیار و لایتنی نیم پاؤ
تخم کاسنی سه چشمانک تخم خرفه سیاه سه چشمانک تخم کاهوس قشقر نیم پاؤ آله قشقر منقش
نیم پاؤ کشیز خشک نیم پاؤ خار خشک خود نیم پاؤ آوای بخار صندل و زرشک بیدانه نیم پاؤ تخم
کدو پیچیده آثار تخم ترتر پاؤ آثار غنچه گل سرخ نیم پاؤ برگ بید ساده و دانه شب و آب گرم سبزه آثار
بخیسانند صبح راه انچه را شش و چهار ماشه مار القرع مشوی چهار آثار آب کاسنی سبز سه آثار
آب عنب اشکلب سبز سه آثار اضافه نموده به ستود و آثار عرق کشنده عرق مصفی مع شفا

جمیع معال عذاب چشمانک آثار سپستان چشمانک آثار تخم شایسته چشمانک آثار شایسته
 چشمانک آثار قصب الریزه چشمانک آثار مدی چشمانک آثار بریدگی چشمانک آثار
 نیکنده چشمانک آثار براده چوب آبنوس چشمانک آثار براده چوب شیشه چشمانک آثار
 صندل سفید چشمانک آثار براده چوب چینی چشمانک آثار براده صندل سرخ چشمانک آثار
 برگ نیب چشمانک آثار گل نیب چشمانک آثار شرب چشمانک آثار گل بکام چشمانک آثار
 گل خنای چشمانک آثار برگ خنای چشمانک آثار گلاب چشمانک آثار گل نقشه چشمانک آثار
 گل سیوطی چشمانک آثار روح چشمانک آثار منی چشمانک آثار چخال چشمانک آثار چخال بول
 چشمانک آثار تخم خطمی چشمانک آثار کشنیزه چشمانک آثار اصل لوس قشر چشمانک آثار
 غلب اشلب چشمانک آثار خا خشک خرد چشمانک آثار پوست بچ کاسنی چشمانک آثار تخم خرفه
 چشمانک آثار لومی بخار پایا و آثار شرب آب گرم بخسانند صبح پیور عرق و در کشیدن بهره نه باشد
 طباشیر کبود کهربائی شمعونی نه باشد صمغ عربی نه باشد عرق گاوزبان نه توله سباده و صرته
 و در بن خیمه بایزند فقط عرق مهی و همسک گل بیدار خنده و در تخم بیدار خنده و در تخم کلونجی
 و در تخم ترب و در تخم کند و در تخم حله و در تخم ناخواه و در تخم کف و در تخم رازانه و در تخم و در
 بیخ وخت سیخ و در تخم و در کوفت شنب آب بچنانند صبح پیور عرق کشنی و قیاقه و کرب و کرب
 بلخ اندازی نیم آثار خلکس نماید که بریزه بریزه کرده و طیف سفال نموده بر آتش بپزند و بیخ شنب
 بر تخم زنده که سرخ شود و صندل و بیدار و در آب موافق حله و با گل گنده که این یک توله
 تخم کوزه قیل و خرد و ساقه بر آفتاب یا قریب آتش خشک کنند باریک شود عرق کنند و بکار بر آید
 و در عرق نماده باشند سرش آهک بسته دارند و الا خوف استماله که به است سبب افش
 عرق شیر نافع برای امراض طاره و حاره گل نقشه و توله گل نیلوفر سده توله گل سیوطی سده توله
 غلب اشلب بچ توله تخم مالک سده توله تخم خیابنچ توله تخم کاسنی بچ توله گل کول
 بچ توله باد آورد و توله ابر شمش خام سده توله گاوزبان و توله عذاب بچ توله تخم زنبیلی
 سده توله تخم کد و بچ توله تخم ترب بچ توله خشخاش سفید بچ توله طباشیر کبود سده توله
 زعفران تخم شمش باشد شب و در عرق گاوزبان سده آثار عرق غلب اشلب و در آثار

عرق بید سوده آمار آب خالص و آمار بخندان صبح آب تریز با آمار آب عنب اشلب
 با آمار آب که دی شوی با آمار آب بیطه شوی و آمار آب پاک بنر با آمار آب که کیلا نیم آمار آب انار شیرین
 نیم با آمار آب لمبوی شیرین نیم با و سیب ریزه کرده پنج عدد شیر الاغ سدا آمار اضافه نموده
 بدستور عرق کشند کافور خالص چهار ماشه در صره بسته بدین نیچو بیاورند و اگر شیر الاغ
 بدین نیچو بیاورند کافی است عرق شیر زرشک بیدانه پنج توله عذاب سیاه دانه سپستان
 و دمنده اند تخم کاسنی پنج توله سبیل طبیب توله شاه تره پنج توله گل سرخ پنج توله
 گل نیلوفر پنج توله عنب اشلب پنج توله گاوزبان گیلانی پنج توله کشنیر خشک پنج توله
 ایکه متشتر منقعه پنج توله تخم کاسوی متشتر پنج توله تخم کدو پنج توله صندل سفید پنج توله
 صندل سرخ پنج توله تخم خیارین پنج توله برگ فرخشک و لایبی پنج توله خالسی
 پنج توله معتر تخم تریز پنج توله تخم خرفه سیاه پنج توله گلوی سیب ریزه کرده ده توله برگ گنبر
 ده توله باد رنجبویه سده توله نخ کیلا بست توله شب و آمار گرم بخندان صبح آمار کاسنی
 نیم با آمار مالک بنر نیم با آمار خیار شوی با آمار آب که دی شوی با آمار آب که کیلا نیم
 و آمار آب عنب اشلب بنر با آمار آب بیطه شوی با آمار آب لمبوی شیرین نیم با
 آب تنه گیلانی با آمار آب سبب چشاک آمار آب به چشاک آمار آب ناشپاتی
 چشاک آمار آب رنگی می چشاک آمار آب رنگی لایبی چشاک عرق کور نیم آمار آب که نیم با و
 شیر ز خالص یک آمار اضافه نموده بدستور عرق کشند وقت کشید کافور خالص چهار ماشه
 اباشیر کبود یک ماشه در صره بسته در دهن نیچو بیاورند و ایضا تخم کاسنی پنج توله براده
 صندل سفید پنج توله زرشک بیدانه پنج توله تخم بارتنگ پنج توله گلوریزه کرده پنج توله
 شب و آمار گرم بخندان صبح آب که دی شوی و آمار آب کشنیر بنر و آمار شیر الاغ و آمار
 اضافه نموده بدستور عرق کشند وقت کشید کافور منضوری دو ماشه مشک خالص دو ماشه
 عنب اشلب یک ماشه در صره بسته بدین نیچو بیاورند و ایضا شیر زبسته آمار و عرق نیلوفر
 یک آمار عرق بید سوده یک آمار عرق گاوزبان یک آمار عرق کوش یک آمار عرق
 صندل یک آمار خیار شوی یک آمار آب که دی شوی یک آمار آب انار شیرین

آب کبر و یک آثار آب پسته یک آثار آب هندوانه یک آثار آب لیمون شیرین نیم آثار
گل گاوزبان چشمانک آثار گل سیبونی چشمانک آثار صندل سفید چشمانک آثار کشمش خشک
دو توله تخم خرفه سیاه دو آثار تخم خیارین نیم باورنگ سید ساه نیم باورنگ نلیو فر نیم باور
تخم کاسنی چشمانک آثار پوست سیخ کاسنی چشمانک آثار گلوسی نیب ریزه ریزه کوه چشمانک
آثار باد آورده چار توله خاکسی چار توله بدستور عرق کشند فقط الاضطراری حی مرزنگه
مع ورم طحال باشد مغز تخم که و چار توله مغز تخم هندوانه چار توله غناب پنجاه دانه طباطبائی
کبود چار توله تخم خرفه سیاه پنج توله تخم خیار و لاتی نه توله باد آورده چار توله شکاعی
چار توله غنچه گل سرخ چار توله قصب الزریه چار توله شاخ و برگ گزنه توله پوست سیخ
چار توله براده صندل سفید چار توله بسفاج فستق چار توله آب غناب لشب سبریک آثار
آب کاسنی سبریک نیم آثار آب بارتنگ سبریک آثار آب انار شیرین یک آثار آب
لیمونی شیرین نیم آثار گلاب خالص نیم آثار عرق کبوتر نیم آثار عرق خا خشک خرد یک آثار
شیرین سفید آثار بدستور معهود عرق کشند عطر ارجمه که بسیار خوشبوست عود عرقی
یک آثار پنج بنفشه یک آثار صندل زرد یک آثار پوست نارنج یک آثار خض شنبه یک آثار
صندل سفید یک و باو آثار شکوفه نارنج هشت توله قاقله صغارشست توله سنبل لطیف که توله
چهره یک توله لباسه یک نیم توله با حبه شش باشد زعفران یک تله لاون دو ماشه غنچه
دو ماشه اول خسهار براده نموده لاون و غنچه آب بنفشه که به بطریق متعارف با گلاب عرق کشند
و باز سرد نموده عطر بگیرند عطر فستق سه میله سائله یک توله مشک خالص یک توله
حب الحلب سه توله سعد کوفی سه توله قاقله صغارشست توله قرفل سه توله سیخ از خرگیله توله
سیا فوج هندی سه توله ریحان حبشی سه توله فرنجشک لایتی سه توله ریحان سبرینه توله
زرنه یک توله پوست نارنج یک توله جوز بویاک توله سیلونی یک توله شنه یک تله که با حبه
یک توله سنبل لطیف توله گلاب خالص پنج توله کافور مخصوصی شش ماشه گل سیبونی نیم آثار
گل سنجید یک توله گل موتیا چار توله صندل سفید نیم آثار عرق بهار پنج آثار بدستور عرق کشند
عطر بگیرند سه عرق بهار کنایه از عرق گل آقحوان است نخست که گل آن زردی باشد

و در ریشال کل بابونه کوفته است که کل بابونه بجز نیست و تخم دارد و بخلاف این که بجز است
 و تخم ندارد و عطرهاست صندل سفید شده آمار و سداب و عود و سیاهی گلاب اگر با او آتش چند
 نیم از سبیل بوی یک و نیم تو که بسیار یک و نیم تو که سبیل لطیف و دو تو که شسته یعنی چهار یک تو که
 پنج نفیست یک و نیم تو که انظار لطیف یعنی یک و نیم تو که پوست نارنج یک و نیم تو که حباب
 یک تو که خمر اشوب چهار تو که مشک خالص و تو که کافور نیم باشد زعفران یک باشد خود
 اگر سه تو که گلاب بطریق معطر و کشیده و عطرها بکند عطوسه که خطا از راز دماغ کند و اراضی بارده و شام
 را مصلحت است که غش و بویته کلو نجی دو باشد فرنیون دو باشد خدیوید سرد و ما شسته بستان
 دو باشد عاقر قرحا دو باشد بوره ارمنی دو باشد کوفته بختی قدری قدری ناس گیرند
 اینها ششم غطل سه و دم قفل سیاه شده و دم اسطوخودوس و سبب و دم کندش و دو دم کوفته بختی
 قدری قدری ناس گیرند البتة نقبا کوی خوردنی شده باشد کندش و ما شسته عاقر قرحا دو باشد
 چاد شیر یک باشد و عسل یک باشد که کوفته بختی قدری ناس گیرند

باب الغین المجمع

غره که سقوط امات را مانع باشد گنار فارسی نه باشد شب یمانی سه باشد مازنی
 نه باشد حب الاس نه باشد پوست انار نه باشد در آب تازه نیم آتا جو شاییده صافی نموده
 نیم گرم غره سازند غره که نقل لسان را مانع باشد زنجبیل چهار باشد عاقر قرحا نه باشد
 و غلغل نه باشد ابرسانه باشد مزه زنجوش نه باشد در آب تازه نیم آتا جو شاییده صافی نموده
 نیم گرم غره نماید غره که قروح خلق را مانع آید کاغذ سوخته سه باشد شب یمانی بریان
 مازنه باشد عذبه نه باشد گنار نه باشد در آب تازه نیم آتا جو شاییده صافی نموده نیم گرم
 غره نماید غره که حبش لالت کند عتاب هفت دانه پستان سبت دانه کل نقیسه
 نه باشد و تخم خطمی باشد گا و زبان گیلانی نه باشد تخم خیارشمی باشد غلب ثعلب باشد بذر البنج
 گونا گونا گویان دو عدد در آب تازه نیم آتا جو شاییده صافی نموده یک گرم غره نماید
 غره که بر لبی خنثی مانع باشد گل نقیسه نه باشد تخم خطمی باشد غلب ثعلب نه باشد
 تخم خیارشمی نه باشد گا و زبان گیلانی نه باشد گنار گنار دو عدد و کل غلغل نه باشد

در آب نان نیم آرد جوشانید آب برگ قوت پنج توله اضافه نموده نیم گرم غرقه فاسد
 عنبر که رنگ در اصدان و شفاف گرداند پوست تخم مرغ یک شاکل سیوتی یک شاکل حسن
 یک ماشه خشک سفید سه ماشه سفید کاشغری دو ماشه پوست رنگره یک ماشه مغز تخم زرد
 شش ماشه آرد جو دو ماشه تخم خرده سیاه دو ماشه تخم شامه دو ماشه صندل سفید دو
 صندل تخرخ دو ماشه مغز تخم که و شش ماشه ماده گندم شش ماشه صندل مروارید سه ماشه
 مغز تخم پیچیده شش ماشه پوست سیب دو ماشه پوست پیاز و سبزه نعنی بر دو ماشه
 آرد قرنج سه ماشه انظار لطیب دو ماشه استینه دو ماشه تخم خرزه شش ماشه کوفته بجنیه
 باب دروغ بقدر موافق حل کرده بر رواند و بعد و گهری از آب گرم بشوید ایضا اگر آرد سیاه
 را بر حسن پوست دو ماشه استخوان جیل دو ماشه استخوان رین دو ماشه سیوتی دو ماشه زرد کبر
 دو ماشه مغز تخم خرزه سه ماشه صندل سفید دو ماشه باریک ساینه در آب لیمو کاشیده
 حل کرده رواند ایضا که روی سفید و براق گرداند اگر رنگ تیرگی پیدا شد با آرد جو
 سه ماشه باغلا سه ماشه کیر سه ماشه فشا سه ماشه شش ماشه تخم ترب سه ماشه کوفته بجنیه بشوید بر رو
 ماند و صبح باب گرم و سوسن گرم بشوید

باب الفار

فلاقلی در موضع و شهوت کلیی مانع باشد و باو مای غلیظه را دفع کند و هضم طعام کند فلفل سی
 و ا فلفل سی درم حب بلسان سه درم حماد و درم سنبل لطیف درم نیم بیل کینم تخم کرفس و درم
 سیلخه یکم اسارون یکم راسن یکم کوفته بجنیه با سه وزن آن غسل مصفی تیا میازند قدر
 معجون سازند مقدار خوراک سه نیم ماشه آب گرم فود نخجی در معج و جگر که سبب آن برود
 باشد دفع کند و تب ربع و حیات کند را سود و د فودنه کوهی دوازده درم سیسالبوس
 دوازده درم فطر اسالبون دوازده درم تخم کرفس چهارده درم بابونه چهارده درم حاشا
 چهارده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته بجنیه با سه وزن آن غسل مصفی تیا میازند قدر
 شربت سه و نیم ماشه آب گرم شربت زرد که اگر بکار برند و رانده بکارت زن اگر چه بسیار
 کم سن باشد مشکل نفقه وزن او جمع بالکل معلوم نشود و نمک اندازی سه و نیم ماشه در غسل

و زود سخن گاو گشته باشد منفرج نموده فرزند سازند فرزند که فرج زن آنگاه گدازد و فعل کل نهاد
پوست و زشت کنار دشتی مساوی الوزان همه دویید جدا جدا ساین باینیزند و بطریق شیان در
فرج نهند نعلی آرد و بزودی از آب گرم بشویند که خوف افساد و سوراخ فرج است فرزند
که حیض براند غسل خالص شستو باشد صدق مراد بدست داشته قوه الصنع برود اجزاء را خیر ساین
بجسل آغشته بدست و فرزند سازند ایضا جو الکهار و داشته پنج بنفشه دو داشته کوفته بخفته آب
برگ چغندر برشته با پاکک بدست و فرزند سازند فرزند که منع حیض ناید و بر آبستن معین باشد
به یکی یک شمشاد قاقیایا شمشاد سوخته یک شمشاد یانی بریان یک شمشاد افیون خالص پنج سرخ
که غنچه بنجیه آب بارنگ برشته بدست و فرزند سازند فرزند که حیض براند استان دو داشته
حما قرصا و دو داشته جاو شیر دو داشته فرغون دو داشته سعد کونی یک داشته حنظل مندی یک داشته
بدست و فرزند سازند ایضا فرزند چهار داشته اجصل سه داشته حویث شقی پنج عدد و در هر
یک عدد و سرشته بدست و فرزند سازند فرزند که منع حیض ناید گنار فارسی داشته لحیث
پنج ریشه برگرد و داشته کاغذ سوخته سه داشته شب یانی بریان یک شمشاد مار و می سرخ و دو داشته
کوفته بنجیه آب بارنگ برشته بدست و فرزند سازند حکمت صاحب اخبارات بدست
که اگر زن فرزند جنطیانا می می پیمان بید و نور معلوم برود حیض بند نشد جاری گردد
و اگر آبستن باشد بچه بپزند و اگر دانی کور بخاششته بروست بند و بالعکس عمل کنند
یعنی خون باز آید و اند اعلم بالصواب فقط

باب القاح

قرص طبع شیر قاض و بسیار می سنج که مع الحمی باشد استعمال نموده می آید طباشیر کبود
و دوله کل ارمنی و دوله صمغ عربی و دوله تخم حاض بریان سه دوله کل سرخ سه دوله
حب الاس و دوله زرشک بیدانه و دوله شقاق یک و نیم دوله میره آبکینید و بجلاب سرشته
و چون ایساند و بوقت خواب استعمال کنند حسب حال هر قرض طبع شیر طبعین
باشد و که مع قبض طبع باشد استعمال نموده میشود طباشیر کبود و پادرم ترنجبین خراسانی
در دم منفر تخم خیارین یک در دم منفر تخم که دمی شیرین یک در دم نشاسته یک تخم خیارین

بکدرم کمتر ایک درم بلعاب اسفول سده و له یا بجدانه اقراص سازند بدستورند کوبه استعمال نمایند
قرص کهر باربی ترف الدم و نفث الدم کهر باربی شمش پنج درم بسیدخ درم و دریدنا
 پنج درم تخم خرفه سیاه پنج درم شمش گوزن سوخته سه درم پوست بقیه مرغ سوخته سه درم
 صمغ عربی سه درم کشیز خشک شش درم شمش سفید و درم شمش سیاه شش درم و درم سوخته
 و درم بنده البیج سفید و درم کوفته بخیه بلعاب بزقطونا اقراص سازند **الصف**
 برای دل الدم کهر باربی شمش سه درم صمغ عربی سه درم نشاسته سه درم کهر باربی سه درم تخم خیار
 سه درم تخم کدو سه درم کلنا فارسی نیم درم افاقیا نیم درم کوفته بخیه بلعاب بزقطونا اقراص سازند
قرص انجبار برای اسهال و موسی و حبس خون بوسید و افراط طم و نفاس کل ترف الدم
 و نفث الدم سفید پنج انجبار چهار درم کل شترخ سه درم صمغ عربی سه درم کهر باربی سه درم تخم سیاه
 سه درم کلنا فارسی سه درم نشاسته سه درم کل اونی و درم بسید و درم طباشیر کبود و درم
 رب اسوس و درم افاقیا و درم کوفته بخیه آب بارنگ سرشته اقراص سازند **انجبار**
 محصول برای نفث الدم صمغ عربی سه درم حب الاس و درم دم الماخوین و درم طباشیر کبود
 و درم کهر باربی و درم کلنا فارسی و درم تخم خرفه سیاه و درم افاقیا و درم طین بصره و درم
 کوفته بخیه بلعاب یا اسفول سرشته اقراص سازند و در سایه خشک کنند **قرص**
طباشیر کافوری که درجی و قه و حمیات حاده استعمال بینا بد طباشیر کبود سه درم
 غنچه گل شترخ سه درم صندل سفید سه درم تخم خیارین سه درم تخم کاسنی سه درم تخم
 خرفه سیاه سه درم تخم موسی قه سه درم کافور خالص محصود و داشته و در سرخ زعفران تخم
 شمش شترخ بلعاب بجدانه یا اسفول یا آب سیب یا آب برگ خرفه سرشته اقراص سازند
 و در سایه خشک کنند و گاهی در شدت ضعف مروره مجلول هم اضافه می نمایند **قرص**
 برای ادر خون حیض که بند شدن باشد و هم برای ادر خون نفاس اگر کمتر آید هر یکی سه درم
 ترمس پنج درم سد اب پنج درم دودخ و درم قه و دانه و درم مشکطرا مشیم قوه البیج
 و درم حلیت و درم جاد شیر و درم کوفته بخیه باقی که در و اهل چو شاد این باشد شتر افریجا
 سازند **قرص سلیم** الماخوین یک ماش کلنا فارسی یک ماش افاقیا یک ماش

خشک شدن سفید و دانه گل ارمی یک ماشه تخم میوه یک ماشه کبریا شمع یک ماشه
 کبریا یک ماشه مصطلک دوسه یک ماشه کونار یک ماشه تخم خنجر یک ماشه آرد غناب یک ماشه گلاب
 یک ماشه کوفته بخیه بلعاب اسفند افراسن از نیا ایضا برای سبب گلاب و زبان یک ماشه گل ملانی
 یک ماشه گلاب فارسی یک ماشه سرطان محرق یک ماشه شب سبب یک ماشه مرادید محلول یک ماشه
 دم الاخین یک ماشه گل ارمی یک ماشه شادنج عدسی یک ماشه بودار محرق یک ماشه صمغ عربی یک
 کثیرانیم ماشه لب اسوس نیم ماشه شکر تغال نیم ماشه کبریا شمع یک ماشه نشا هفت یک ماشه
 ریشه برگ یک ماشه گل بول یک ماشه بنج مرجان یک ماشه جان مرغ کما فی ذلک بارتنگ بدستور افراسن
 سارند طریق احراق سرطان اینکه سر و پا بریده و آب و خاکستر خوب انگور و کمال
 با هر که ازین تیسر آید خوب شسته و باز آب صاف شسته و کل حکمت نموده در گلخن یا تنور انداخته
 خوب دستور بر آورده استعمال نمایند و اولی است که ماده باشد نه نشو ناخت ماده و زرا اینگونه
 برشت ماده سوزن زنند آب سفید سرون آید بخلاف نر و درین شهر مشهور است که ماده
 جلد شکس غلیظ و عریض میباشد که آنرا انگور ماناسند و در زیر بالعکس طریق غسل شادنج
 باید داشت که غسل شادنج باید طور نمایند که اول آنرا چهار پاس ص لایه نمایند بعد از آن
 که آشته قریب چهار پاس جامی محفوظ بدارند یعنی آب آن طریق ریزند که شادنج
 همراه آب فروزد و همین طور مرتبه عمل نمایند طریق غسل لاجورد هم همین طریقت
 و اکثره شیار که در آن حبیب باشد طریق حل یا خنجر مر و آید نیست که مر و آید
 ناسفته را در طریقه کرپاس کرده در آب لیون چندان گذارند که چون مسکه شود پس
 منظره از دست بماند تا اینکه مر و آید از خنجره بگذرند پس در کاسه چینی کرده بگذارند تا
 نشین شود پس آب لیون از رویش و مسکه در آفتاب خشک سازند و باره چهره بگذارند
 و بکار ریزند و اگر با گلاب در کمال انداخته مثل غبار ساخته بکار برند مضائقه ندارد
 قطره که اگر در گوش چکانند و خنجره که لب سر باشد تسکین دهد و تجلی نماید غسل خاص
 یک تیر آید در آب برگ نیب مروق مخلوط نموده نیم گرم قطره سازند فقط ایضا
 هرگاه که بپایان قطره عصاره اش نیم گرم غلیظ قطره که در گوش جاری است تسکین دهد

و روغن گل ماشه سرکه خالص شش ماشه مخلوط نموده نیم گرم قطور سازند **الفصل**
 ششایف ابغوش چکانیدن مفید قطور که گرم گوش را بکشد آب برگ شفا لو یک تولد آب برگ
 ترب یک تولد پودینه شش ماشه خریق سفید شش ماشه فستقین شش ماشه کوفته بخت
 با نهانی مذکور مخلوط نموده غلوطه بسته در سایه خشک کنند وقت ضرورت آب برگ شفا لو
 یا دیگر آب ساسی مذکور بسایند نیم گرم و گوش چکانند قطور که گرم گوش را ببرد و ابغوش
 و ده گل بابونه سته ماشه اکلیل الملک سته ماشه تخم خلی سته ماشه فزنجوش سته ماشه جمل سته
 سته ماشه تخم ترب سته ماشه باد بجنوب سته ماشه اسطوخودوس سته ماشه و آب انار دو آمارخو
 وقتیکه حصه چهارم بماند روغن گل سته تولد اضافه نموده باز بر آتش نهانند و حقیقه آب بسفوف
 و روغن بماند از آتش فرو آورند و بوقت حاجت نیم گرم استعمال سازند فقط قاعده
 باید که در چشم و گوش ادویه نیم گرم اندازند زیرا که اینها از اعضای فکری اند پس از آن
 حرارت و برودت سازد می شود فقط و الله اعلم

باب الکاف

کافور بروقت صحت و تولید ریح و ضعف هضم و امراض بارده را مفید زیرا که کافور می ببرد
 پیچاه درم فلفل سیاه پانزده درم تخم بیل سبت درم سداب سبت درم بون ارمی پنج درم
 عمل مصفی پنج چشماک کوفته بنجی عمل را جوش داده و رغو آن در نموده ادویه مذکور شش
 بدستور مچون سازند مد بر نموده و آن را در سرکه باینطوری که آتش شعله روزه سرکه محض را انگوری
 بخیدانند بعد بر آوری بر تابه بخواده بر آتش بکشد نهانند که خشک شود و پس به کار بر فقط
 عمل برای سیلان دم و ضعف بصیرت سته ماشه اصغمانه سته درم قریشی سته ماشه
 اقلیم محو فیهی یک درم سافج هر یک یک درم حنظل هندی یک درم مامیران چینی یک درم
 قوی یک یک نیم درم در جان سدر یک م لا جورد مغضول یک م سافج مغضول یک درم
 فلفل سفید یک م دار فلفل یک درم کافور بخالص یک درم ورق طلا یک م ورق نقره یک م
 سخی بلخ نموده مثل عیار سازند محصل برای تقویت بصیرت یک سته شش ماشه
 مامیران چینی شش ماشه چرک طلا شش ماشه مروارید سته شش ماشه فلفل سیاه شش ماشه

تیج پھل چار ماشہ چاکوشمش ماشہ اوویہ در سجاسے جست انداخته و دروز آب برگ خضار خوب
 بکندل ساخته سه سترنگ یکت لته ماشه روز با گلاب حل کنند بعد چندرند نگاه دارند تا خارج
 گیرد پس در چشم کشند فقط محل الجواهر سه ستره اصفهانی و دو درم قریشیا فضی و دو درم قلمی فضی
 و دو درم سافج هندی یکم م مروارید ناسفته و دو درم خضض هندی یکم مسک یک ماشه عطر
 نیم درم و امیران چینی نیم درم یا قوت سائیده و دو درم ورق طلا سائید یک ماشه بدستور کل جانده
 کحل برای جبین و مع و قطع بیاض چشم و ضعف بصیرت براده جست ستریک توله
 پارچه نیمه نخه و حتی بلنج نماید که چون سبره شود بعد شب یاقنی بریان و توله سه ستره اصفهانی و دو توله
 باهم مخلوط نموده یک پاس کحل نماید که چون غبار شود پس بکار برند کلنج با کاف الفارسی
 که هندی بنیدی نامند برای دفع رطوبات رحم و غیره که اکثر زمان عارض میشود و مفید است
 صمغ عربی شش ماشه در روغن رز و گاو بریان نموده صمغ عربی شش ماشه گل ستره شش ماشه گل
 فلفل شش ماشه مازوی کشیده شش ماشه شتره بیض حرق یک توله سمندر سوکمه شش ماشه
 صمغ بند شش ماشه سرانی شش ماشه نشانه شش ماشه مال یکمانه شش ماشه کار اسینگی شش ماشه
 خارشنگ خرد شش ماشه پچلی ببول شش ماشه کوفته بجمیه صاف نموده نگاه دارند و در و
 پنج توله بریان نموده شکر سفید پنج توله آمیخته عرق کیوڑه و دو توله اضافه نموده اوویہ انداخته
 بدستور کلنج سازند ایضا برای دفع رطوبات مذکوره فلفل با پودا نارباریک کوفته در
 شکر گاو تازه یک آثار بچوشانند و حل نمایند تا شال کھوده شود پس شکر سفید یا قند سفید
 نیم آثار آمیخته باز حل ساخته نگاه دارند و بکار برند قدر خداک پنج توله ایضا مجرب بر بعضی
 رطوبات جمیع چنانکه گوئند یک توله پنج بند شش ماشه لوده کوبی شش ماشه سمندر سوکمه
 شش ماشه عذیه شش ماشه کرنازج شش ماشه کھیلی شش ماشه صمغ شش ماشه
 کمر کس نه ماشه پلنگ توله شش ماشه گل و صاوی شش ماشه گل فلفل و توله گل ستره
 نه ماشه فلفل نه ماشه مازوی سبز خرد و دو توله جافلفل یک توله صاوتری شش ماشه
 کف دریا شش ماشه سگسری ببول نه ماشه مولسری خام و دو توله کوه کهری کلان نه ماشه
 چنگه احت نه ماشه پاه ولایتی نه ماشه با دام چنانک آثار کشمش نه ماشه توله خرمای چنانک آثار

گاوزبان گیلانی سه ماشه کوفته بخیه با شربت خشخاش لعوق سازند و قدری قندی بلیسته بپزند
 را می سل سرشیم با می سه ماشه در آب گرم دو توله حلکوه قند سفید و دو توله اضافه نموده و در
 قند سفید و اگر بجای آب آتش جو یا شربت خشخاش یا شربت بنگنه با شربت سرشیم
 بپزند را می سل گاوزبان سفیدی و دو سرخ را و السلطان و ماشه با شربت خشخاش نه ماشه سرشته
 و سه کله لیسین بپزند سرشیم با می سه ماشه در عرق گاوزبان یا نیلوفر حلکوه بپزند فقط
 حلکوه که تیره بد و ناخ کند و خواب آور و سرخسم که دسه ماشه تخم خرفه سیاه سه ماشه تخم
 تربزه سه ماشه گل نقشه سه ماشه تخم میچده سه ماشه تخم مرغ خشتوشه ماشه کافور خالص
 چهار سرخ صندل سفید سه ماشه گل نیلوفر سه ماشه در آب خیار تازه و دو توله دسه که خالص توله
 ساین عطر خن یک ماشه عطر کیوی یک ماشه عطر گل یک ماشه عرق کیوی یک توله
 اضافه نموده بدستور تخم سازند و بویانند لبوب که گرده را قومی کند و میانی بپزاید و باه را
 قومی شد و سرشته سه توله مغز حب الزله سه توله مغز گردگان سه توله بهمنین سه توله سعد کوفی
 نه ماشه تخم گداز یک توله خدیجه اشک یک توله مغز حلکوه سه توله با جیل تازه سه توله مغز خشک
 خانگی چیل حد لسان العصار شیرین شش ماشه مغز بادام شیرین نه توله خشخاش سفید سه توله
 خولجان شش ماشه جبهه انخضیک توله اسپت شش ماشه زنجبیل شش ماشه تخم بلبلون شش ماشه
 مصطلک و می ماشه فلفل سیاه و فلفل باشد عقران نه ماشه تو درین چهار توله و اشک بصر می توله
 جوز بواک توله لب با سه نه ماشه کوفته بخیه عسل مصفی سه وزن و می و فزوده و درق فقره نه ماشه
 و درق طلا شش ماشه حلکوه عرق کیوی و پنج توله اضافه نموده دریم برجم ساخته بدستور لبوب سازند

باب المسم

معجون چوب چینی برای امراض سودا و عیش به معنی پنج توله چوب چینی شش توله
 صندل سفید چهار توله طباشیر کوبه و دو توله زنجبیل سه توله پوست بلبله زده چهار توله و
 پوست بلبله کابل سه توله بلبله سیاه سه توله آله متشر منقی سه توله ترب سفید شش توله و دو توله
 گاوزبان چهار توله قند سفید سه و نیم با و شربت انارین سه و نیم با و قند را اول قوام ساخت

بعد از آن شربت انار بن اصفانه نموده بدستور معجون سازند بدشته خوب بیدار است و همند
 معجون عیش برای امراض سوداویه تشنه مغربی پنج توله غنچه گل سرخ پنج توله بسفنج
 شسته پنج توله صندل سفید سه توله صندل سرخ پنج توله سنبله گل سرخ توله کوفته نیمه با حبه چنان
 عمل مصفی بقوام آورده در جوگاه درازند بعد از آنکه سرش محکم بسته باشند و قداد و اشتن
 حسب دستور اطر فیصل است معجون کاکنج برای سوزاک سفید کاکنج کبکست و پنج عدد
 بذر البیج سفید هفت و نیم گرم کرفس هفت و نیم رازیانه هفت و نیم مغز تخم خربزه سه و نیم دانه تخم حبه
 سه و نیم انیسون خالص سه و نیم مغز حلیفه زده سه و نیم مغز بادام تلخ بریان سه و نیم دانه قندق سه و نیم
 زعفران دو نیم دانه کثیر اهار و دانه کوفته نیمه شربت شفاش سه وزن ادویه سرشته بقوام آورده
 معجون سازند معجون جمنسک برای سلس البول و سیلان مذی منی کهر باسی شیمی
 یک مثقال بلبله سیاه و دو مثقال پوست بلبله کابلی و دو مثقال اول این ادویه را در روغن زرد
 گاو بریان نموده بعد کات سفید یک مثقال جفت بلوط و مثقال فشار کند نیم مثقال
 شسته پنج چهار مثقال حب الاس چهار مثقال حصیه الثعلب یک مثقال میوز منقی شش مثقال
 کوفته نیمه به گلاب بپزند پس ادویه سابق افزوده سرشته در جوگاه دارند هر روز و در تمام
 معجون مهبی اگر کسی از ضعف باه بر جماع قادر نشود بعد استعمال این قادر شود کند شش مثقال
 سعد کوفی سه مثقال ریح سه مثقال قرفه سه مثقال خولجان سه مثقال جوز بواج پنج عدد بخیل
 سه مثقال فلفل سیاه سه مثقال دار فلفل و مثقال قرفه و مثقال ثعلب مصری هفت مثقال
 کباب چینی و مثقال سیاه سه و مثقال یوز بیان و دو مثقال ادویه کوفته نیمه با یک ساییده
 پارچه بپزند نموده شعله خالص سه وزن ادویه افزوده بقوام آورده بدستور معجون سازند
 معجون حجر الیهود برای سنگ گرده و شانه مغز تخم کدو یک نیم توله مغز تخم خیار یک نیم توله
 مغز تخم خربزه یک و نیم توله کاکنج یک نیم توله حجر الیهود کشتش توله کوفته نیمه با سه چندان
 عمل مصفی بقوام آرد و خوراک از هفت مائه تاده باشد معجون عقرب برای سنگ ده
 دانه بیدیل است خاکستر عقرب ده مائه و در سرخ خطیان مائه و شش سرخ و بخیل
 سه و نیم مائه فلفل سیاه هفت مائه و در فلفل هفت مائه حب کاکنج یک نیم توله چند بیدستر

چهارده ناسته کوفته پیوسته با سه خندان غسل مصفی بفرماید و در دانه از آن سرخ با تخم کدو
و در دانه کدو و در دانه خندان غسل امراق سلطان است معجون خشت است و در دانه
و رفع طوط منقح و جوده قضم خشت الحیدر در دانه در دانه سیاه در دانه در دانه منقح و در دانه
بلبله در دانه فلفل در دانه سدر کوفتی در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه
شیطرنج منقح در دانه با دیان یک کت و در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه
صافی نموده بر روغن بادام شیرین چرب نموی غسل مصفی سه وزن ادویه افزوده بپزد و چون
کشت داده غبر خلاص یک درم افزوده بدستور معجون سازند و در جگانه دارند و اعضا
خشت الحیدر در دانه فلفل سیاه چهار درم و در دانه فلفل سه درم و در دانه سیاه در دانه سیاه در دانه
در دانه بلبله کافلی یک توله آله قشتر منقح یک توله بلبله سیاه یک توله بلبله گل سرخ یک توله
با دیان یک توله زعفران دو درم و در دانه چار درم غسل مصفی سه وزن ادویه افزوده بپزد و چون
معجون سازند و در دانه خندان غسل امراق سلطان است معجون خشت است و در دانه
معجون آله قشتر منقح آله قشتر منقح خشت یک آله قشتر خشت یک آله قشتر خشت یک آله قشتر
شش باشد خشم خرد سیاه خشت یک آله قشتر منقح و خشت یک آله قشتر منقح و خشت یک آله قشتر منقح
هم چند ادویه با میخ ورق نقره در دانه ورق طلا یک توله افزوده حلاوه بدستور معجون سازند
معجون محصی آب فلفل دشتی چهار توله خمر گاو دو توله فاند چهار توله آتش نرم و در دانه
تا بفرماید پس کبابه شده بهنین شده باشد شفاقل مصری سه و نیم باشد فلفل سه و نیم
در دانه چینی سه و نیم باشد سیاه سه و نیم باشد خندان سه و نیم باشد فلفل سه و نیم باشد تخم کدو
یک نیم توله کوفته پیوسته غسل سه وزن ادویه انداخته بدستور معجون سازند معجون محصی
اعضا کا سرریاح مسک باضم منقح بهنین یک توله فو دین یک توله فو دین یک توله فو دین
دو توله فو دین دو توله خشم بلبلون یک توله موسد سیاه یک توله فو دین یک توله فو دین
با دیان یک توله مصطک شش باشد گل منقحی یک توله ادویه خمر خرد شش باشد تخم خشت یک
ولایتی شش باشد خود خام یک توله ابریشم خام یک توله زرب شش باشد خشت بلوطی
بزرگ بلنج سفید یک توله پنج لعل یک توله پنج موخه یک توله ادویه شیرین یک توله خندان

در دانه کدو

یک توله اول ناک بار آب اندک شسته از غبار پاک کرده بریان نمایند و باقی او و یک کوفته بخت
 بآن موم و ج ساخته و در شیشه نگا دارند و سر آن محکم بسته دارند تا هوا بدو نرسد فقط مسمی
 بسیار تخم و خوشبو آید چون پنج توله توپای بنزد توله اول را در ظرف گلی
 آب ناریس کرده ثانی را نیم کوفته آینه در هم برهم نموده در آب لیون کاغذی تر کرده
 بر آتش گذاشته بنزد چنانکه تخم شود بعد از روزی بنزد توله بریمی شش شسته و سبک شسته
 با یک شش شسته سوین مسمی شش شسته فاند که یک شش شسته شک یک شش خور یک شسته
 جویری یک شسته اضافه کرده باریک ساین پستورسی سازند ایضا برای درو شسته
 براده آهن شسته توله پوست درخت مومسری شسته توله کات سفید شسته توله بلبله سیاه شسته توله
 توپای هندی یک شسته بیک کس یک توله چوب چینی یک توله زاج سفید دو توله
 پوست انار ترش یک توله جدا جدا کوفته براده آهن بربنگ بایک نموده با آینه
 بدستورسی ساخته برودان مالند و اگر وجع باقی ماند یک مرتبه مضمه بروغن کچن شش شسته
 آب گرم نمایند وقت خواب و آب سرد برودان نرسانند مسمی یعنی اگر از اخوندی آرد
 حلقه و فاشد پوست پنج خرزهره چهار شسته تخم خرزهره نه شسته تخم ترب شش شسته تخم شست
 شش شسته ناک هندی شسته اصل لبوس شش شسته تخم شش شسته در آب
 شسته آمار جو شایده تا که ملت بماند مالین صافی نموده آب برگ ترب ده توله سکنجبین سیاده
 شش شسته اضافه نموده نگا دارند و بوقت حاجت بکازان گرفته در آب گرم حلقه
 پوشین بدستورقی نمایند هم سوزش خراجست ارفع کند و گوشت نوبر و یاند
 و سیمیست بمرهم بعضی موم سفید یک نیم توله در روغن گل باروغن کچن شسته توله حلقه سفید نگا
 حصار توله اضافه نموده بملایه کنند تا مثل موم شود هم بریمی شقاق مقعد و در دو اند
 بو آسیر سفید مسمی است بمرهم منقل - منقل اندق شسته توله موم زرد یک نیم توله در روغن کچن
 که غصیل و توله ریزه کرده در دو جو شایده با شش مند و مغز قلم کار یک نیم توله در روغن خسته
 زرد کوسه تلخ یک نیم توله و زرد تخم مرغ یک نیم توله اضافه نموده بملایه ساخته مثل موم
 ایضا مثل سابق منقل اندق و توله طحالب تخم کتان شش توله حل کنند و موم زرد یک نیم توله در روغن

کجاست که تولد بگذارد و هر چه اینهم آمیخته روغن پیروز یک و نیم تولد در روغن کوان شریک و نیم تولد
و منقر قلم کا و نیم تولد اضافی نموده و صلا کنند تا مثلین هم شود هر چه زنگار نیم تولد بخورد و زخم خشک
کند زنگار صلا ریه و نیم باشد با موم هفت هفت باشد و گند هفت باشد و راتخ هفت باشد و شیشه
صنعت صنوبر کوفته بخیته در روغن زیت هفت و نیم باشد که اخته در گلاب آهنی حل ختم شب یانی
سه و نیم باشد اضافی فرموده بطریق موصوفه ساخته مثل هم کند هر چه کافوری که تریدگی
لب و سوزش و ناسور سوختگی آتش زانافه باشد و در خشک هفت باشد سفید کاشغری
هفت باشد موم سفید هفت باشد روغن گل و تولد موم را در روغن گل اول بگذارد و او را و
کوفته بخیته اضافی نموده در مایون بسیار تا هموار شود و بگذارد تا خشک شود پس سفیدی
بسیار مرغ یک عدد و کافور خالص و باشد داخل نموده بدست و در هم سازد هر چه در میان
و جسته اش با خلیون اینکه داخل یون و لغت یعنی لعاب است و درین هم لعاب است اندر
درم صلب و سخت مثل طحال که مریض شده باشد با دیگر سودا و می غمزه آن مردار سنگ است
در روغن زیت پنجاه درم در گلاب آهنی را آتش نرم ملائم نیند و بسته چوب بید یا نیت
واده باشند تا مردار سنگ بسوزد و سیاه شود آنکا لعاب تخم گمان پنج درم لعاب تخم
حلبه پنج درم لعاب تخم خطمی پنج درم لعاب تخم و پنج درم لعاب سفید و پنج درم قدری قدری
انداخته بدست چوب کور حرکت داده باشند تا جملی لعاب جذب شود و توام غلیظ گردد پس بگذرد
و تولد اضافی نموده و طرقت سفال بنگا دارند و بکار برند هر چه ترکیب جدید بسیار و تحلیل
و بر تحلیل درم سون و کبد که صلب شده باشد از جگر باست غنچه گل سرخ که لعاب لعاب
یک تولد گل نغشته بکافور سفید می هفت باشد گل خطمی سفید و تولد تخم خطمی و تولد گل بابونه
خشک هفت باشد اکلیل الملک هفت باشد بذر تخم و تولد حلبه و تولد در عرق عنب لعاب
نیم تا اگر کلاب خالص پا و آثار تر کرده جو شانید صافی نموده آب عنب لعاب بنبر هفت تولد
شیر شتر پنج تولد سرکه خالص و تولد آب کاسنی بنبر هفت تولد روغن گل با و آنرا آمیخته بپوشانند
تا آب بسوزد و روغن با نده پس مردار سنگ است و درم بران جو شانید و قتی که غلیظ شود پدید آمده
شش تولد پیه یا کمان و تولد موم زرد است تولد که اخته آمیخته و طرقت گل آبی رسین نیند و رفت

حاجت برپا ریز سنگین صوب طلا ساخته قدری گرم نموده بر معده یا کبد و غیره بچسباند مایه را
 برای نفوذت اعصاب و جودت به هضم و تغذیه قلب گوشت حلال منقح از چربی و استخوان گرفته و سبیل
 و نوک کشیده خشک شده و له شده یا شیش و بطور منجی نخیده و قلیکه مهر اشود صافی نموده آب بنجی گرفته
 آب باریک بنبریک آثار آب غلب بنیم آثار آب انار بنجوش نیم آثار آب به با و آثار آب
 سیب با و آثار کلاب خالص یک نیم آثار عرق باریک یک آثار آب بکک است اینها سازج
 بندی یک توله عود غرق یک توله آب بر شیم خام مقرض یک توله پوست زرد اترج دو توله
 انار دانه سه توله زرننگ به سه توله کل سبونی سه توله پوست بیرون بسته سه توله زرد و
 سه توله دانه بیل سه توله که در سهاق سه توله تخم گز و دو توله طباشیر کبود و دو توله حب الاس
 و دو توله شمشاد سفید و دو توله تخم باریک سه توله زعفران تخم سه ماشه اضافه نموده
 به دستور عرق کشند و موافق حاجت بکار برند مایه الحیم مصفی میوه باضم مقوی مغز و جودت
 قسم اعلی ده توله عشب مغربی پنج توله بادرنجبویه پنج توله سنبل الطیب پنج توله سعد کوفی چهار
 قریفل چهار توله بویان چهار توله آسارون سه توله دارچینی چهار توله قاقلین شش توله همین
 پست توله نورین هشت توله موصلین هشت توله زرناد چهار توله غنچه کل سرخ پنج توله
 کل سبونی پنج توله شقایق مصری چهار توله تخم انجبر سه توله تخم فرخنگ و لایتنی چهار توله
 برگ فرخنگ سه توله مصطلکی چهار توله فصاع خشک پنج توله بنجیل سه توله سازج بندی
 چهار توله خولیان چهار توله برگ تنبول بکله صد عدد و منجی گوشت حلال نر زده آثار بنجی گوشت
 پنج عدد گوشت کبوتر بچیده عدد گوشت کبک پنج عدد گوشت دراج پنج عدد گوشت پودنه
 یعنی بطیرشی عدد گوشت کج خشک نر خاکی صد عدد آب نیشکر چهار آثار آب رنگه سه آثار آب
 میوه می شیرین چهار آثار عرق کپور پنج آثار عرق گاو زبان ده آثار کلاب خالص پنج آثار
 آب انار من پنج آثار به دستور بست و پنج آثار عرق کشند اینها گوشت کج خشک نر خاکی
 سی عدد گوشت پودنه پانزده عدد گوشت بز جوان یک نیم آثار گوشت دراج پنج عدد گوشت
 هشت عدد از چربی و استخوان پاک نموده و در چینی و توله قریفل نه ماشه دانه بیل سه توله کشیده
 پنج توله سه دانه پاشیده بطور منجی نخیده و قلیکه مهر اشود صافی نموده آب بنجی گرفته سازج بندی

یک و نیم توله بادریغیه و دو توله عود عرقی و دو توله بادیان سه توله کاذبان و دو توله گل سیوتی سه توله
 ابریشم خام قهرطل و دو توله فاقلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین
 صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین چهار توله صندلین
 دو توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک
 یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک یک توله شمشک
 منوره آب نیشکر نیم آنا آب رنکتره یا آنا آب لیمون شیرین نیم آنا آب نارنگی ولایتی
 یا آنا آب بونیا نیم آنا آب رنکتره یا آنا آب لیمون شیرین نیم آنا آب نارنگی ولایتی
 کرده پنج عدد انحر زرد ولایتی پنج توله میوز منقعی پنج توله دمنغان بادام شیرین پنج توله میوز منقعی
 پنج توله خرنامی خشک ریزه کرده پنج توله مغز فندق پنج توله مغز گردنم پنج توله مغز اخضر
 پنج توله آب آنا شیرین نیم آنا آب آنا میخوش نیم آنا عرق میو پنج توله مغز اخضر
 پنج آنا اضافه نموده بدستور عرق کشند وقت کشید قلع بصری سولمان کرده سه توله شمشک
 خالص باشد و بر بولی بسته بدین غیبه آویزند

باب النون

نوشته ابر و اخضای رطبه اوت دهد و فغان رانافع باشد و لون چهره نیک گرداند و بوی
 عرق خوش کند و اشتها طعام آورد گل سرخ یک توله نه باشد سعد کوفی یک نیم توله قرقفل یک توله
 مصطکی رومی یک توله اسارون یک توله سبیل طبیب یک توله قافله صغیر هفت باشد قافله کباب
 هفت باشد سیاسه هفت باشد زرنب هفت باشد جزبوا هفت باشد قرقه هفت باشد عطران
 هفت باشد آله مقشر منقعی یا آنا قند سفید نیم آنا رو یک چمکانک عسل مصفی نیم آنا رو یک چمکانک
 آله را اول کشانند و روز شیرین نیم آنا بخیسانند پس بشویند و در قدری آب بجوشانند تا ماحر اشود
 پس از غریب برون کنند و با قند و عسل مذکور به قوام آورده از عطران تحفه سه باشد آب موافق
 حکم کرده اضافه نموده حرکت دهند پس باقی را در یک اجنه نایب و حسب حاجت استعمال نمایند
 فصوص که مثال کبریت برای دفع خارش و فساد خون اگر اصل زرد بادمت نموده شود بر گرد
 نین یک آنا پوست درخت نین یک آنا شرب نیم آنا گل درخت نین نیم آنا گل فضا یا آنا

مراثی و مراثی
 شاکسته یا آواز سرحد که نیم آواز غصه از سر به نیم آواز بوست بلند ز نیم آواز طبله سیاه نیم آواز طبله
 نا آواز صندل سرخ پا آواز سیاه و آواز نیم باره شفاخ شفته نیم باره طرف کلی کرد آواز تازه
 آواز از آخته هشت ز در و آواز بکاه داند بعد و آواز مقدار هشت ز در باشد خدا لعن کند بخرند
 تزلزله مبد که اگر بر صندلین چسبانند تزلزل را بند سازد و جای شدن ند بگردد و یک شمشه صندل سرخ
 یک شمشه صندل سبزی یک شمشه صندل سبزی یک شمشه رطب افسوس یک شمشه شکر تخیال یک شمشه تیرا
 یک شمشه نشاسته یک شمشه تخم کاه سبزی شکر یک شمشه بذر البیض سفید یک شمشه آقا قیام یک شمشه
 مرکبی یک شمشه انیسون خالص یک شمشه زعفران تخم چهار سرخ کوفته بخت بر سفید بخت بر سفید
 سرشته بر کاغذی که مثل روپیه برین سوزن زده باشد لیسین بر صندلین چسبانند یک شمشه
 براسی وج الکلی سه در آواز شش پا آواز تخم حله چهار شمشه تخم شبت چهار شمشه گل بابونه
 چهار شمشه حلیق شش شمشه نمک لاهوری شش شمشه غنچه گل سرخ چهار شمشه بارنگ سود
 آبیخته بانی که در آب غلب سبز چشمانک آواز آب بر گل حنفه چشمانک آواز فرو رده باشد
 بستور خمیر کرده نان یک طرف خام را بر و غن گل چرب نموده که اگر مرمجل و ج مبدند
 ایضاً اگر چه ترکیب نان هست که چونکه مخصوص برای وج الکلی است لهذا استخراج
 پاره گوشت گاو میش یا گاو در آورده از کار و جای شگانه پیلان مول نه باشد و نمیرسد
 باشد بدینک ساینه بر پیاشته و در کبابی بکاه داند و در آن آتش برافروزند تا آن گوشت
 که انسان تحمل گرمی آن کند نه چندانکه جلد آن بسوزد پس اگر گرم مرمجل و ج مبدند
 فطول که سرشام را سودمند آید به گل نرفته چشمانک آواز گل نیلوفر چشمانک آواز تخم کدو
 چشمانک آواز تخم خطمی چشمانک آواز تخم ترنج چشمانک آواز حصار پاره پاره کرده دو عدد
 تخم کاه سبزی شش پا آواز تخم کاه سبزی حلال دو عدد آواز چشمانک آواز در آب تازه بیخ آواز حشمت
 بستور فطول سازند فطول که صداع بار در انفع و در گل نرفته چشمانک آواز تخم خطمی
 چشمانک آواز تخم کدو چشمانک آواز ابلجیل الملک چشمانک آواز بادیان چشمانک آواز بایز
 چشمانک آواز اسطوخودوس چشمانک آواز گل خطمی سفید چشمانک آواز در آب تازه شش پا آواز
 خوشانین بستور فطول سازند فطول که صداع مزمن انفع و در فطون و بیاشته

محرمات رهناسه
 عصاره عصاره الحارث شش باشد تخم خطمی شده باشد بخور مرهم شده باشد کوفته بخته در بینی است
 نفوخ که صرخ را سود دهد و جابو شیر شده باشد تخم خطمی شده باشد بخور مرهم شده باشد کوفته بخته در بینی است
 یک باشد کوفته بخته در بینی است نفوخ که گندنی بینی را سود دهد و قویا می بندی
 یک باشد و مشک شده در عصاره ان شش باشد قرفصل شش باشد کوفته بخته در بینی است

باب الواو

و جو که چون مصرع چکان بهوش آید حلتیت یک شده عصاره صلیب یک شده چند بستر یک شده و بجز
 عصاره دو توله که در درمن چکانه ایضا نافع برای غشی مشک صلیب یک شده و عرق یونجه توله تا در چکانه

باب الحصاد

باب السیاه

یا قوتی برای تقویت باه و اعصاره و مفرح گران قیمت یا قوت ربانی ده باشد یا قوت رزق
 چهار باشد بسد چهار باشد لعل چاره شده حقیق بینی شده باشد مرارید ناسفته شده باشد
 شب بند و ده باشد زرد و خوش رنگ و دینیم باشد و ورق طلا چهار و نیم باشد و ورق نقره پنج باشد
 زعفران شش درم کاو زبان شده باشد گل محووم ده باشد گل ارمنی یک نیم باشد بستر آب
 یک و نیم باشد مشک قبی چهار ده سرخ عود مندی یک شده کاو خالص یک باشد تخم
 بادرنجبویه چهار ده سرخ تخم فرخ شک و لایتی ده باشد و درنج عطرلی ده باشد بونگا
 فرخ شک شک و ده باشد صندل سفید یک باشد صندل سرخ یک باشد شقایق مصری
 یک شقایق بهمنین و دشتقال و قنقل نیم درم سمانج مندی یک و نیم باشد اشنه یک نیم
 و ارچینی ده باشد پوست زرد اترج سه درم ابریشم خام ده باشد سنبل الطیب یک نیم
 نارمسک ده درم کشنیز خشک نیم درم مغر تخم کدو یک درم مغر تخم خیارین چهار درم یار
 شتر اعلاهی ده باشد آب حبیب شیرین سه توله آب به شیرین چهار توله آب انار میوه شش
 چهار توله آله قشربیک توله گلاب خالص چهار توله عرق بهار چهار توله عسل مصفی را بر روی
 نبات سفید و چند ادویه معجون سازند ایضا مرارید ناسفته یک درم سر جان یک درم کبریا یک
 فرخ شک و لایتی یک درم صندل سرخ و درم صندل سفید و درم طیار شیر کبود و درم زرباد

دو درم بادیگوبیدو درم قمر تفلست درم سافنج مندی دو درم عود قمارسی دو درم ابریشم مقر خرق درم
 پوست ترنج دو درم گاو زبان دو درم رومج عرقی یکم م لعل یکم م یا قوت رمانی یکم درم عقیق
 یکم م درق طلا یکم م درق نفرو یکم درم غیر اشهب یکم م کافور خالص یکم م زعفران تخم
 یکم م شک خالص نیم درم قند سفید پنجاه درم غسل مصطفی پنجاه درم سیتون سبزه

تمام شد

خاتمه در بیان بعضی مفاید و آن مشتمل بر سه فصل فصل اول

در بیان علاج بعضی سموم که اگر کسی خورده باشد و گزیدن بعضی جانوران هر دو که اگر کسی آلوده باشد

تابع

باید است که قی نمودن برای کل سم مفیدی افتد و اگر قی نیاید و وی فیه خوراند خصوصاً با این طوری
 نمودن که اول غذا دهند و بعد بت فلیل حکم قی نمودن کنند که اثر سم غذا آید و اعضا محفوظ مانند
 این حکم و قیست که شکم خالی باشد و در صورت بری شکم حاجت طعام خوراندن نیست و بعد سرفه
 شیرازه باروغش نزد خالص مینوی خوراندن در ابطال نظیری ندارد خصوصاً باروغش گدخته

علاج افیون خورده

افیون خورده را باید که اول قی کند بطبیعی شبت و ترب و نمک و غسل بقدر کفایت بقدر مسکه گدخته
 و شیر با هم آمیخته نوشند فقط ایضاً حلیت با شراب جلوده نوشاندن مفید افتد خاصه شراب گند
 و اگر در چنینی ترصم نمایند بهتر است ایضاً حلیت و آبج و فلفل با هم آمیخته مقدار اندکی سبزی
 ریخته خوراندن مفید است ایضاً برگ نورسته بیدار نیمه از نژد مالیدن و قی که عرق آن
 بر روی آید و در گوش و حلق چکاندن مفید ایضاً روغن قطر بر سر و بدن مالیدن مفید می باشد
 ایضاً کاغذ خام و آب تازه تر کرده فشرده نوشاندن مفید و افیون که همراه روغن گند خورده باشد
 لا دواست علاج کسی که انسپول گرفته خورده باشد انسپول گرفته خورده را باید
 که قی بطبیعی نکوره افیون و زرده تخم مرغ یک عدد و جد و ارد و ماش با هم آمیخته بپزند و شیر تخم
 غمزه سیاه با چهار تخم بنوشانند علاج کسی که سم الفار یعنی سنگها خورده باشد سنگها
 خورده را باید که اول قی کند و سعی کند که بسیار آید تا که کپس از آن متعین نماید اگر در علاج یا خیر

نوشن باشد و اگر اخیر رفته باشد هم متفرغ می باید که لامحاله فی الجمله دفع سم خوا بود و اگر چه اعضا را از
کیف آن مکیف خوانند شده و در موضع چسبنا از جسم آن سواهی کیفیت باقی نخواهد ماند و بعدتی بدست
روغن زرد که اخته و شیر با هم آمیخته چندان که از آن نوشین شود و نشانیدن مفید و سم الفها که گفته بخت
بخورند و نالاسه آن و غنی سواهی روغن زرد و نوشند لا و است

تدبیر گزیدن جانوران سابق الذکر

تدبیر ما گزینش و پندسی سانپ نامند عصا کرب در لاسن مار گزیده ریختن با نیطوره که فور و
مفیدست و تعلیق بار مصره و گردن ملذوع دفع سم میکند و همین کنیر خورانی بدن مفید و اند
فج یعنی بزنا تو هم مفید اند و اب را که در وضع دفع یعنی میند که نخه باشد نشانیدن مفیدست
و ضا و اجمل که پندی آهونی نامند بر موضع لذع نمون مفیدست و ضا و بالونه حسب الالاس
و آرد مطر مجموع با ت راده یا شارب مفیدست و گل بر طماوس همراه تنباکوی کشیده
کشیدن در دفع اثر سم مار سریع الاثر است و اگر نتواند شخص دیگر کشیدن بدین ملذوع ساقند
مهرب است تدبیر عقرب گزینش عقرب را پندی همچو نامند و تدبیر گزینش اینک عصا
تخم کاهو با عصا برگ آن و لبن ابقر و لبن زرد سکه و طین مخوم و عصا برگ
نوشه و لعاب اسفند و مار خیار با هم مخلوط شود و ضا و نمون مفید و کل مبررات مفید شود
قاعص باید دانست که قصد در لذاع کل هوام منفع است زیرا که انتشار سم شبست تحریک
خون بدان میشود و مگر در لذع عقرب جواره که قصد واجب است بجهت اینکه مجرور دیش
سمیت در کل بدن سرایت میکند و از برین هو خون جاری میشود پس درین حالت قصد موجب
تعلیل سمیت میشود فقط تدبیر گزیدن سگ و یوانه باید که در موضع جراحت غسل و پاز
و نمک و نظرون و سداب و با قلا و بادام تلخ ضا و نمون مفید و قدری نظرون سبک که آینه
بر موضع مذکور نهادن و اندا علم بحقایق الامور

فصل دوم و طر و بعض حیوانات

طر و موش که پندی جو مانند اگر یک موش گرفته و خسی ساخته را کنند همه با فر گزینند
و از نند مقل و گوگرد و شاخ گوزن و سر گین سپ و اسپندی گزینند و اگر مردار سنگ و غیره

ماؤ آثار روغن کا ویک آثار پیاز یک ونیم آثار لودک نیم پاؤ مرچ سرخ یک ونیم چھٹا تک
 تک ہفت تولہ عرق لیون کا غدی سہ چھٹا تک بدستور نیزند ترکیب پختن
 قلیہ حاشنی اگر گوشت بزرگ آثار روغن کا و پاؤ آثار شک سفید یک نیم پاؤ آب لیون
 یک ونیم پاؤ دارچینی دو ماشہ قرقل دو ماشہ زعفران تحفہ دو ماشہ قاقلہ دو ماشہ پیاز
 نیم پاؤ اور یک یک دام تک یک دام اول در نصف روغن پیاز بریان نمودہ گوشت
 را لکھا روادہ بدستور قلیہ نیزند ترکیب پختن نان تنک کہ بہندی تنکی نامند۔ سین یک
 روغن پاؤ آثار تک یک دام شیر کا و پاؤ آثار اول در سین نصف روغن اسنخہ از شیر کشتن
 وشت نرم دہند و خمیر کنند بعد دست شدن خمیر روغن باقی مانع اسنخہ لغوزن
 دو دام ارد خود کہ بہندی بسین نامندان تیار ساخته بدو ماہی تابد کہ تہ وبالاد شتر
 باشند نیزند یاد رنور ہواسی نرم نیزند نان بادامی با نیطور نیزند۔ سقر بادام شیرین نیم پاؤ
 نبات سفید نیم پاؤ روغن دو دام سفید بیضہ مرچ یک عدد و مقرر بادام را از پوست
 صاف نمودہ بادام یک سودہ نبات را شیر نمودہ آرہ بادام مذکور در ان انداختہ بواشتن بند
 و اگر فحلت کنند چون بستہ شود بر کاغذ نان باریک بطرز نان خطائی ساخته در دو ماہی نام
 نیزند بالائی بہم آتش نہند کہ آتش انگشت باشد نان خمیری ترکیبش انکیہ میدہ سہ پاؤ
 جھڑات یک دام بادام دو دام میہ را از آب گرم خمیر نمودہ
 یک گھڑی مشت مال خوب نمودہ در پارچہ
 پنبہ داریچہ دو پاس نگاہ دارند
 و بدستور نان نیزند و نرم
 زرا آب بہر کشتن

خاتمہ الطبع
 بحسب
 بعونہ تعالیٰ بر کتاب لاجواب برفن طب مہسون بہ محررات رضائی مولفہ حکیم سید صاحب
 در مطبع گرامی منشی نول مشور صاحب قلعہ کانپور بہ ماہ جنوری سنہ ۱۲۸۷ طبع گردید

CALL No. {

415

ACC. No.

25/3

AUTHOR

TITLE

مجلات اسلام

1/10/1	415
1/10/1	
1/10/1	
1/10/1	

Date

No.

Date

No.



MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:-

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

